

ستون اول

خیزش سراسری خاموشی نمی پذیرد!

خیزش سراسری ریشه در خواسته‌های فرودستانی دارد که در برابر حکمرانان استثمارگر و ستمکار به مبارزه برخاسته‌اند. این مبارزه ای است از کف جامعه یعنی مبارزه‌ی زنان و مردانی که نزدیک به ۴۰ سال به دست حکومت و مناسباتی غیر انسانی سرکوب می شدند، به گرداب مرگ آور بیکاری و بی نانی و زاغه نشینی و خواری کشانیده می شدند و هستی ایشان به غارت برده می شد، برای رهایی برخاسته‌اند، با دستان خالی در برابر حکومتی که لکه ننگی است بر پیشانی بشریت.

در این شرایط تاریخی و خطیر، زنان و مردان مبارز، کودکان کار و خیابان، دانشجویان آزادیخواه، تهی‌دستان شهر و روستا در سراسر ایران، با شکستن طلسم ترس، قدر قدرتی حکومت اسلامی را به پرسش گرفته‌اند. اینک، این حکومت و بورژوازی است که می هراسد. اراده مندان خیزش‌گر، در برابر سپاه تا دندان مسلح، گاردهای ویژه و خونخوار به فرمان حکومتی به مبارزه ادامه می دهند که از جاری ساختن جوی خون در سراسر ایران هیچ گونه درنگی ندارند. تا کنون ۵ تن از دستگیر شدگان زیر شکنجه جان باخته‌اند، دستکم ۴۰۰۰ تن از خیزشگران، کارگران، زنان و مردان، دانشجویان و دانش آموزان آزاده، دستگیر و زیر شکنجه قرار دارند. خبر می رسد که رضا شهابی، کارگر زندانی از سندیکای اتوبوسرانی تهران را از زندان رجایی شهر کرج ربوده و به بند ۲۰۹ اوین که در اختیار امنیت سپاه پاسداران است به گروگان گرفته شده است. رضا شهابی در حالی که دوران محکومیتش ۱۸ ماه به پایان می رسد و در پی شکنجه در شرایط وخیمی به سر می برد، به جای انتقال به بیمارستان، از زندان رجایی شهر به بند ۲۰۹ اوین برده شده است.

سیاست رژیم، سیاست کشتار است، تا به قول خود رهبران، تجربه شاه تکرار نشود! سیاست ترسانیدن توده‌های به پا خاسته از «سوریه ای» و لیبی شدن و عراق شدن ایران است، سیاست ترسانیدن از «تجزیه ایران» و...

هرچند این تبلیغات نقش چندانی در همبستگی، اراده مندی و مبارزه برای

این شماره جهان امروز کوشیده است خیزش سراسری گرسنگان در روزهای اخیر در ایران را همچون تجربه ای درخشان در تاریخ مبارزه طبقاتی ثبت کند و این امر را گوشه کوچکی از تلاش برای آموزش و تداوم این رزم شکوهمند می داند.



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد وضعیت سیاسی کنونی و موقعیت خیزش سراسری توده‌ها

مردمی که امروز علیه فقر، گرانی، بیکاری و سلطه مذهب و تحقیر هر روزه در ابعاد سراسری به خیابان‌ها آمده‌اند در تجربه زندگی و مبارزه دریافته‌اند که همه مصائبی که گریبان جامعه را گرفته است ریشه در حاکمیت رژیم سرمایه داری اسلامی دارد.



مروری بر رویدادهای روزها اخیر



جنبش اعتراضی و وظایف امروز



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد وضعیت سیاسی کنونی و موقعیت خیرش سراسری توده‌ها

اعتراض ستم‌دیدگان شهر مشهد که ریشه در فقر و فلاکت اقتصادی، عمیق تر شدن شکاف‌های طبقاتی و بی‌حقوقی مفرط سیاسی و خشم و انزجار از اختلاس و دزدی‌های کلان مقامات حکومتی داشت به مانند جرقه‌ای آتش خیزش سراسری علیه رژیم جمهوری اسلامی را شعله‌ور ساخت. گویی درد و رنج مشترک و نفرت و انزجار عمومی از نظام سیاسی و طبقاتی حاکم و اعتقاد به اصلاح‌ناپذیری رژیم جمهوری اسلامی یک شبه بخش‌های وسیعی از مردم رنج‌دیده ایران را به هم پیوند زده است. توده‌های مردم به خیابان‌ها آمدند، جوانان با شور و شوق کم‌نظیری سینه سپر کردند و با بانگ رسا شعارهای "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "اصلاح طلب، اصول‌گرا دیگه تمامه ماجرا" و ... سر دادند و نشان دادند که هیچ‌امیدی به بهبود اوضاع فلاکت‌آورد اقتصاد کنونی و شرایط اختناق سیاسی تحت حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی ندارند. اما خیزش سراسری توده‌ها به هیچ‌وجه یک پدیده ناگهانی و به مانند غرش رعد و برق در آسمان بی‌ابر نبود. پیامد ویرانگر سیاست‌های نئولیبرالیسم اقتصادی و رانت‌خواری و شرایط مشقت‌بار زندگی کارگران و مردم محروم جامعه از مدت‌ها پیش زمینه این خیزش توده‌ای را فراهم آورده، و روند رو به گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز بزرگ تولیدی و خدمات و حمل و نقل، مبارزات سراسری معلمان، مبارزات پیگیر زنان، اعتراضات مالباختگان، ابراز وجود دوباره جنبش دانشجویی و به حرکت در آمدن پتانسیل جنبش انقلابی کردستان امکان بروز این خیزش سراسری را قطعیت بخشیده بود. کارگران و مردم زحمتکش ایران سالهاست از زندگی کردن در اعماق فقر، از بیکاری میلیونی و نبود امنیت شغلی، از به تعویق افتادن پرداخت دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، از گرانی سرسام‌آور کالاهای مورد نیاز روزانه، از پدیده کودکان کار، اپیدمی اعتیاد و گسترش دیگر آسیب‌های اجتماعی در میان اقشار پایین جامعه به ستوه آمده‌اند. در برابر این اوضاع فاجعه‌بار، نه تنها وعده‌های انتخاباتی دولت روحانی در زمینه بهبود زندگی و معیشت مردم دروغ از آب درآمدند، بلکه پافشاری بر تداوم برنامه‌های نئولیبرالی اوضاع را به مراتب وخیم‌تر کرده است. تداوم این سیاست‌ها و شرایط از سویی و از سوی دیگر تحمیل هزینه سنگین دخالت نظامی و حمایت از جریان‌های تروریستی در کانون‌های بحران منطقه به مردم ایران، برملا شدن پرونده اختلاس و دزدی‌های هزاران میلیارد تومانی و افشای جنایات هولناکی که سران این رژیم در حق مردم ایران انجام داده‌اند کار را به استخوان کارگران و لایه‌های زیر ستم رسانده است. خیزش سراسری و اعتراضات پرشور مردم ایران ریشه در همین واقعیات زندگی دارد. تحت این شرایط نسیم انقلاب به وزش درآمده و کارگران و اقشار محروم جامعه در جریان این اعتراضات بوضوح نشان داده‌اند که نمی‌خواهند به شیوه گذشته زندگی کنند.

مردمی که امروز علیه فقر، گرانی، بیکاری و سلطه مذهب و تحقیر هر روزه در ابعاد سراسری به خیابان‌ها آمده‌اند و همزمان با فریاد "نان، کار، آزادی" شعار "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر دیکتاتور"، خامنه‌ای حیا کن، حکومت را رها کن" سر می‌دهند در تجربه زندگی و مبارزه دریافته‌اند که همه مصائبی که گریبان جامعه را گرفته است ریشه در حاکمیت رژیم سرمایه‌داری اسلامی دارد. از این‌رو توده‌های مردم از همان لحظه فوران خیزش از اصلاح‌طلبان حکومتی عبور کرده و به درست‌سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی را هدف مبارزات خود قرار داده‌اند. این اعتراضات، ماهیتی ضد سرمایه‌داری دارند، زیرا که مردم به پا خاسته با شعارها، رویکرد و هدف‌گیری‌ها، خواهان پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و تأمین رفاه اجتماعی هستند.

اگر توده‌های به پا خاسته در ایران به زیر کشیدن کلیت رژیم جمهوری اسلامی را در دستور مبارزات خود قرار داده‌اند، اما این هنوز به معنای آن نیست که آنها تصویر روشنی

سرنگونی حکومت اسلامی بازی نخواهد کرد، اما باید هشیارانه آنها را خنثی کرد و این امکان‌پذیر نیست، مگر به دست سازماندهندگان آگاه، و پیشاهنگان هشیاری که شعارهای انحرافی را می‌زدایند، با تبلیغ و ترویج رهنمودها و شعارهای پیشرو، در اتحاد و هبستگی سراسری، در جلب پشتیبانی بین‌المللی، در زدودن انحراف‌ها و در شناسایی نفوذی‌های رژیم سرپا بیدارند. سمفونی رفتارندم، آهنگ گوش‌خراشی است که باید آن را خنثی کرد. رفتارندم و مجلس مؤسسان، گزینه‌های بورژوازی-امپریالیستی هستند و آنانی که به کارگزاری سرمایه‌کمر بسته‌اند.

خیزش زمانی پایان می‌یابد که به خواسته‌هایش دست یابد. آنهم در پاسخگویی به همین شعار «ساده»: نان، کار، آزادی!

نان، کار، آزادی! یک خواست اجتماعی است نه گروهی از روشنفکران و یا سازمان‌های سیاسی. خواستی میلیونی در کارخانه و خیابان که جز با سرنگونی انقلابی رژیم به دست نمی‌آید.

شعار پیش به سوی سازمانیابی شوراهای، با خواست سازماندهی هسته‌های کارگری-سوسیالیستی، بر پرچم کارگران و جنبش تهیدستان، نیمه دوم شعار مرگ بر حکومت و مناسبات را تکمیل می‌کند.

جنبش گرسنگان، یک ضرورت بود که اینک در خیابان و کارخانه‌ها مادیت یافته است. جنبش گرسنگان، پاسخ خود را در ضرورت یک انقلاب می‌گیرد.

برای پاسخگویی به این خیزش، ضرورت یک انقلاب اجتماعی باید در دستور کار طبقه کارگر باشد. طلسم قدرت‌نمایی رژیم، در برابر اراده‌ی توده‌ها در هم شکسته است.

ارتش کار در هبستگی و اتحاد سراسری از شرق تا غرب و از جنوب تا شمال ایران، با شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی، سرنگونی انقلابی را رقم می‌زند.

طبقه کارگر، در اتحاد با تهیدستان شهر و روستا، همه زنان و مردان به پا خاسته را به ساحل پیروزی می‌رساند، رهایی طبقه‌ی کارگر، رهایی همه‌ی حکومت‌شوندگان است.

خیزش سراسری، به گذشته باز نمی‌گردد، حتی اگر تمامی نیروی‌های سرکوب با توپ و تانک به حکومت نظامی سراسری دست‌زنند. پیشاهنگان طبقه کارگر، در حزب خود، رهبری خیزش پیروزمند را با رهبری طبقه کارگر انقلابی تضمین می‌کنند.

جهان امروز

کرد. یکی از مهمترین نقطه قوت های خیزش انقلابی اخیر در سراسری بودن آن است. می توان با ادامه و دامن زدن به اعتراضات در شهرهای دیگر ایران، مانع آن شد که سپاه پاسداران نیروهای سرکوبش را در تهران و دیگر شهرهای بزرگ و در کردستان متمرکز کند. گسترش اعتراضات در ابعاد سراسری و بکار گرفتن تاکتیک ها و ابتکارات مناسب در راه انداختن اعتراضات در شهرهای بزرگ نیروی سرکوب رژیم در تهران را متزلزل خواهد کرد. در این شرایط اعتصابات کارگران در مراکز صنعتی بزرگ از جمله صنعت نفت و پتروشیمی ها و حمل و نقل می تواند ماشین سرکوب دشمن را زمین گیر کند و اعتراضات توده ای را وارد فاز نوینی نماید.

این روزها که فریاد شعار مرگ بر روحانی، مرگ بر خامنه ای سران رژیم را سرافکننده و در هراس فرو برده است، از ترامپ گرفته، تا ولیعهد عربستان، تا سلطنت طلبان و نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی ایران فریبکارانه سنگ دفاع از خیزش توده ها را به سینه می زنند. این نیروها به کمک رسانه های گروهی خود، با ایجاد اتاق های فکر و ستادهای تبلیغاتی در "بی بی سی" و همانند آن، با بزرگ نمایی شعارهای انحرافی و حاشیه ای می کوشند تا بر ماهیت طبقاتی و انقلابی این جنبش سایه بیندازند. در این تردیدی نیست که پا به پای پیشروی جنبش انقلابی توده ها تلاش قدرتهای امپریالیستی و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی برای آلترناتیو سازی و به بیراهه بردن مبارزات مردم تشدید خواهد شد. از آنجا که اتکاء به دخالت آمریکا و قدرت های غربی برای تغییر توازن قوا به نفع خود و دست به دست کردن قدرت از بالا یک رکن اساسی استراتژی سیاسی احزاب و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی است، نباید این خطر را دست کم گرفت. برای مقابله با این خطر تلاش برای تأمین رهبری طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی بر جنبش انقلابی و توده ای اهمیت سرنوشت سازی پیدا کرده است. باید از فرصت و توازن قوایی که به نفع جبهه مبارزات مردم تغییر کرده است در جهت پرداختن به این امر اساسی نهایت بهره برداری را کرد.

برای خنثی کردن این خطرات و تأمین رهبری سوسیالیستی بر خیزش انقلابی توده ها، فعالین و نیروهای کمونیست به لحاظ عینی در موقعیت مناسب تری از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی قرار دارند. زیرا همان مطالبات و اهدافی را دنبال می کنند که شرایط عینی زندگی کارگران و مردم زحمتکش آنها را در دستور مبارزه روزانه و خیزش سراسری توده ها قرار داده است. تمام خواستههای اقتصادی، رفاهی و آزادیخواهانهای که کارگران، زنان و مردم آزادیخواه ایران برای تحقق آنها به پا خاسته اند تاریخا بخشی از هویت مبارزاتی و سیاسی کمونیستها را تشکیل داده اند. تحقق پیگیر این مطالبات بدون تعرض به مالکیت خصوصی و دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه، بدون ایجاد مکانیسم هایی از نوع شوراهای که دخالت مستقیم کارگران و مردم زحمتکش در اداره جامعه را تأمین نمایند، عملی نیستند. این حکم از باورهای ایدئولوژیک کمونیستها استخراج نمی شود، بلکه قانونمندی عینی مبارزه طبقاتی همین را به ما می گوید. همین ضرورت به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی و دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی است که ضرورت حیاتی سازمانیابی طبقه کارگر و تأمین رهبری آن بر خیزش سراسری و آزادیخواهانه مردم ایران را در محور استراتژی سیاسی و فعالیت حزب کمونیست ایران قرار داده است.

حزب کمونیست ایران جهت انجام وظایف و رسالت خطیری که در این دوره بر دوشش قرار گرفته است باید تمام ظرفیتهای خود

از ملزومات و مسیر سرنگونی رژیم اسلامی دارند. این خیزش سراسری که در گامهای آغازین خود قرار دارد، امنیت طبقه حاکم را بر هم زده، پرونده قدرت سیاسی را به روی جامعه باز گشوده، شور و شوق انقلابی عظیمی را برانگیخته، اما هنوز تمام تواناییها و ظرفیت و انرژی خود را به میدان نیاورده است. در این تردیدی نیست که پیروزی این جنبش و انقلابی که نسیم آن به وزش در آمده در گرو ناظر شدن افق و استراتژی سوسیالیستی است. اما برای پیشبرد استراتژی سوسیالیستی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و ساقط کردن نظام سرمایه داری در ایران باید با قدرتی نیرومند تر از قدرت جمهوری اسلامی وارد نبرد نهایی شد. باید تمام نیروهای بالقوه را به فعل در آورد و پویه مند ساخت. آنچه که در رویارویی های چند روزه شاهد صحنه های پرشوری از آن بودیم، در ادامه و در تکامل خود به یک اعتلای انقلابی، می تواند رژیم اسلامی را به زانو در آورد. بنابراین برای تضمین تداوم این حرکت باید تمام تلاش های خود را بعمل آوریم. تضمین تداوم این خیزش سراسری در همانحال که وجود چشم انداز و افق روشن انقلابی را ضروری ساخته، طرح مطالبات و شعارهایی که به سرعت توده گیر شوند، اتخاذ روش ها و تاکتیک های سنجدیه که مردم را در ابعاد میلیونی جذب این خیزش کند، پرهیز از اقدامات زودرس و سازمانیابی و شکل گیری یک رهبری روشن بین در دل این مبارزات را نیز الزام آور کرده است. پیش روی پیروزمندانه ای این خیزش در گرو شکل گیری یک رهبری آگاه و هوشیار و مورد اعتماد است که در دل این مبارزات به آزمون آید. تداوم این خیزش سراسری از این رو اهمیت حیاتی دارد که به جنبش کارگری امکان می دهد که شوراها و دیگر تشکل های طبقاتی و توده ای خود را برپا کند، به توده ها فن سازمانیابی و برپایی نهادهای حاکمیت توده ای فردا را می آموزد، به دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی فرصت می دهد که ظرفیت های بالقوه خود را به حرکت در آورند و به احزاب، سازمانها و نیروهای پیشرو و انقلابی جامعه امکان خواهد داد که نبردکنان بر ضعف های درونی خود فائق آیند. روشن بودن شعارها و اتخاذ روش های درست، راه را بر فرصت طلبانی که از شور و احساسات بر حق مردم برای رسیدن به اهداف سیاسی ضد انقلابی خود بهره برداری می کنند، خواهد بست. با این قدم های سنجدیه و با گرد آوردن تمام توان و ظرفیت و استعداد های موجود است که این خیزش سراسری می تواند گام به گام به یک دوره اعتلای انقلابی تکامل یابد، دوره ای که در آن رژیم جمهوری اسلامی زیر فشار اعتصابات سراسری کارگران و اعتراضات میلیونی توده ها به زانو در آید.

دشمن که سرعت حیرت آور سراسری شدن اعتراضات او را غافلگیر کرده بود، بخود آمده و تمام توان سرکوبش را برای مقابله با خیزش انقلابی مردم بکار خواهد گرفت. خامنه ای ادعای نخ نمای دیکتاتورها را تکرار کرد و خیزش توده ها را محصول "پول، سلاح، سیاست و دستگاه امنیتی دشمنان" خارجی دانست. روحانی اعتدال گرا و خاتمی اصلاح طلب خواهان مقابله قانونی با "اغتشاش گران و اخلال گران امنیت" کشور شدند. فرماندهان سپاه پاسداران برای پنهان کردن ترس و هراس خود اعلام کردند که اغتشاشات هنوز در حدی نیست که لازم به دخالت سپاه باشد، اما همزمان شبکه های اجتماعی را مختل نموده و نیروهای نازاالله و بسیج را در تهران و شهرهای بزرگ ایران وارد عمل کردند و حکومت نظامی شدید و اعلام نشده ای را به اجرا درآوردند. در نتیجه این اقدامات و یورش به صف تظاهرکنندگان از لحظه آغازین تا کنون بیش از ۲۰ تن جان خود را از دست داده، صدها تن زخمی و هزاران تن دستگیر شده اند. اما اقدامات سرکوبگرانه دشمن را می توان خنثی

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب جهان- نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

را در خدمت تداوم خیزش سراسری مردم ایران و کمک به بسیج کارگران و زحمتکشان و هر چه توده ای تر کردن این خیزش سراسری بکار گیرد. در این شرایط و در راستای جهت گیری های فوق کلیه ارگانهای تبلیغی و اعتبار و ظرفیت های تشکیلاتی حزب باید در خدمت تداوم و تقویت خیزش سراسری و انقلابی توده های قرار گیرد. در همانحال در این دوره یکی از وظایف وقفه ناپذیر ما معطوف کردن توجه کارگران پیشرو و سوسیالیست به استراتژی و سیاست ها و تاکتیک های حزب کمونیست ایران و گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران و مبارزین سیاسی است. در صورت نیبوستن رهبران و پیشروان جنبش کارگری به فعالیت سیاسی حزبی، این نگرانی وجود دارد که جنبش طبقه کارگر نتواند مهر طبقاتی خود را بر تحولات سیاسی کنونی بکوبد.

در کردستان حضور یکپارچه مردم در صحنه این خیزش سراسری و تحت رهبری کومه له با تاکتیک ها و قدم های حساب شده و طرح مطالبات و شعارهای بیسج کننده می تواند نقش پیشرو و غیر قابل انکاری در تداوم این خیزش سراسری و پیروزی جنبش انقلابی کردستان ایفا کند. در کردستان با توجه به نفوذ و اعتبار اجتماعی کومه له و نظر به اینکه طیف گسترده ای از فعالین کارگری و مبارزان سیاسی که در جریان فعالیت های سیاسی و اجتماعی با هم آشنا شده و در شبکه های اجتماعی به هم مرتبط هستند، کومه له به عنوان بخشی از حزب کمونیست ایران با اتکا به این شبکه از کادرها نه تنها می تواند ظرفیت های موجود در جنبش کردستان را علیه رژیم اسلامی بسیج نماید، بلکه نقش یک الگوی پیشرو و رادیکال را در راستای سمت و سو دادن به جنبش سراسری ایفا کند.

در این شرایط و با توجه به روند تحولات سیاسی در ایران و در حالی که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ظرفیت های سرکوب خود را بکار گرفته تا موج خیزش سراسری توده ها را به کنترل درآورد؛ و نیروهای مختلف اپوزیسیون بورژوازی در تلاش هستند که آن را در راستای اهداف خود به بیراهه ببرند، همکاری نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران با هدف تقویت و تداوم این خیزش سراسری به یک ضرورت سیاسی و عملی تبدیل شده است. همکاری نیروهای جنبش کمونیستی بطور قطع زمینه مناسب تری را برای همکاری و اتحاد عمل گسترده فعالین گرایشات مختلف چپ در درون جامعه فراهم می آورد. در خارج از کشور سازمان دادن کمپین های سیاسی و تبلیغی گسترده برای جلب حمایت افکار عمومی و سازمان ها و نهادهای ترقی خواه از جنبش انقلابی مردم ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران با توجه به وسعت تشکیلاتی ای که از آن بهره مند است و با توجه به موقعیت ویژه ای که برای ایجاد هماهنگی و جلب همکاری این نیروها از آن برخوردار است می تواند نقش تعیین کننده ای در انجام این امر داشته باشد.

گرامی باد یاد جانباختگان خیزش سراسری مردم ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد، آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱۳ دی ماه ۱۳۹۶ ۳ ژانویه ۲۰۱۸

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

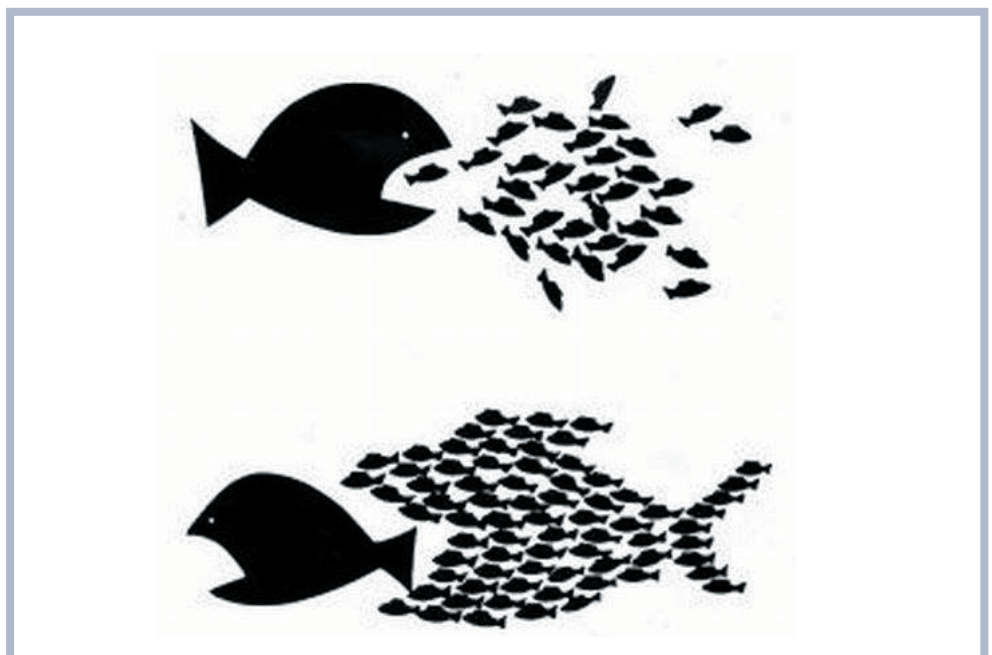
۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com



جنبش اعتراضی و وظایف امروز

جنبش اعتراضی توده های مردم، جنبش گرسنگان، جنبش نان و آزادی روزهای پرشوری را پشت سرگذاشته است. برای کسانی که ضربان نبض جامعه ی اعماق را احساس نمی کردند، برای کسانی که افقهایشان به بالا معطوف بوده و عقربه هایشان با چرخش منازعات باندهای حکومتی به این یا این سمت نوسان می کند، برای کسانی که تعلق خاطرشان به هیاهوی "رای من کو" بوده و همچنان دل در گرو دولت "تدبیر و امید" جهت ایجاد فضایی برای آمال و آرزوهایشان داشته اند، برای کسانی که در پشت مرزها جهت دخالت قدرتهای امپریالیستی خوش رقصی می کردند و بالاخره برای همه ی خلع ید کنندگان، تصور اینکه مردم اعماق به خیابان ریخته و مطالباتشان را فریاد بزنند، شوک اندکی نبود. اینبار مردم از کانال شکافهای حکومتی به خیابان نیامده بودند، بلکه آنها در بستر شکاف طبقاتی، در دل بی آیدگی و فقر جانسوز، در دل مخالفت با دیکتاتوری و سرکوب و با ابتکارات، رشادت و قهرمانی های ویژه ی خویش شهرها را یکی پس از دیگری به میدان اعتراضات خویش تبدیل کردند.

اما برای کسانی که همه روزه اخبار اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و مال باختگان را در مقیاس گسترده ای و به ویژه در ماههای اخیر می شنیدند و یا خود دستی بر آتش این مبارزات داشتند، خروش مردم رعد و برقی در آسمان بی ابر نبود.

وقتی کارگران ماهها مزد بخور و نمیر خود را دریافت نکرده و اعتراضاتشان با سرکوب روبرو می شود، وقتی گله های اوباشان امر به معروف و نهی از منکر به جان زنان می افتند، وقتی صندوق بازنشستگی به غارت می رود، وقتی دفاع از آزادی زندانی سیاسی سرکوب می شود، وقتی فساد و رشوه خواری و اختلاس در مقیاس میلیاردی به یکی از مشخصه های حاکمان تبدیل گردیده و همزمان بیش از چهار میلیون نفر در زیر خط فقر بسر میبرند و وقتی حتی کارتن خوابها مورد تهاجم قرار می گیرند، این آتش خشم باید جایی و زمانی سر به بیرون زده و کف خیابان را اشغال کند و این تصویر واقعی بخشی از سیمای مردمی است که

جانشان به لب رسیده است. آن سوی دیگر همه ی دشمنان جنبش نان و آزادی صف کشیده اند. اگر باندهای از حاکمین در تصور اینکه مردم به جان آمده را در رقابتهای خویش به خدمت گیرند در لحظات اولیه با نان قندی پیش آمده بودند ولی زمان زیادی لازم نبود تا بفهمند، این جنبش مردم به فغان آمده از نزدیک به چهار دهه حاکمیت وحشیانه ی آنهاست. بی جهت نبود که بلافاصله از خامنه ای تا روحانی، از قوه ی قضائیه تا فرماندهان سپاه و از امامان جمعه تا ایدئولوگهای بی شرم جریان اصلاح طلبی هریک به گونه ای به صف آرایی در مقابل این شورش گرسنگان پرداختند. آنان جهت نجات خویش سلاحی جز سرکوب این جنبش ندارند. این خطر را باید جدی گرفت. خطر دیگر اما از سوی آن جریانات بورژوازی اپوزیسیون، سلطنت طلبان و احزاب ناسیونالیستی است که بی شرمانه سنگ دفاع از این مردم را به سینه می زنند همانهایی که اساسی ترین رکن استراتژی شان اتکا به دخالت امریکا و قدرتهای غربی، عربستان و اسرائیل جهت دست به دست شدن قدرت از بالای سر مردم می باشد. اینان مدیای وسیع جهان سرمایه داری را در اختیار دارند و از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد که این جنبش اعتراضی را به بیراه بکشاند.

هرگونه بی توجهی به این خطرات می تواند برای سرنوشت جنبش اعتراضی فلاکت بار باشد. فراموش نکنیم وقتی که مردم در مقیاس گسترده به خیابان می آیند فرصتی برای همه ی نیروهای سیاسی طبقات متخاصم است که سعی کنند استراتژی و سیاستهای خود را به استراتژی جنبش اعتراضی تبدیل کرده و ذهنیت توده های مردم را تسخیر کنند.

بدون تردید هر نوع رشادت و قهرمانی مردمی را که در مقابل یک نظام وحشی اسلامی صف کشیده و از جان مایه می گذارند باید ارج گذاشت. بدون این روحیه ی قهرمانی و بدون حس اعتماد به نفس و باور به توانایی و خلاقیت توده های مردم نمی توان جمهوری اسلامی را قدم به قدم به عقب رانده و زمینه را برای به زیر کشیدن آن فراهم نمود. باوجود این نباید و نمی توانیم وظایف فردا را امروز انجام دهیم.

ما هنوز فاصله ی زیادی برای اینکه تمام آن

ارتش ذخیره ی بیکاران را که برای لقمه نانی در میدانهای شهرهای بزرگ و کوچک در انتظار یافتن چند ساعت کار برای اینکه شکم خود و خانواده هایشان را سیر کنند، به صف ایستاده اند و باید به میدان بیایند، داریم. ما هنوز فاصله ی زیادی با به میدان آمدن جمعیت میلیونی زنان که قرنها در زیر فشار سستهای جامعه ی مرد سالار و نزدیک به چهل دهه حاکمیت قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی، در زیر حجاب، در کشانده شدن به تن فروشی در تنگنای فشارهای اقتصادی و فرار از گرسنگی خود و فرزندانشان به بند کشیده شده اند، داریم. ما هنوز فاصله ی زیادی با به میدان آمدن میلیونها کودک و نوجوان که به جای رفتن به مدرسه به کار جان فرسا کشیده شده و انبوه میلیونی کودکان کار را تشکیل می دهند، داریم. ما هنوز فاصله ی زیادی از به میدان آمدن همه ی پتانسیل موجود در جنبش رادیکال دانشجویی که مرزهای تشکل های وابسته به باندهای حکومتی را پشت سر گذارده و به سنت انقلابی جنبش دانشجویی در ایران بازگشته اند، داریم. ما هنوز فاصله ی زیادی با تشکیل کمیته های اعتصاب در کارخانه ها و کارگاهها و به ویژه در صنایع کلیدی، فاصله ی زیادی با ایجاد تشکلهای مستقل کارگری در بعد سراسری، فاصله ی زیادی با تحزب سیاسی کارگران، فاصله ی زیادی جهت ایجاد کمیته های دفاع در محلات برای حفاظت از مردم جهت مقابله با تهاجم نیروهای سرکوب رژیم و ممانعت از دست گیری و به بند کشیدن مردم، فاصله ی زیادی با ایجاد شوراهای کارگری که نطفه های دولت آینده هستند، داریم و بالاخره ما هنوز فاصله ی زیادی از اینکه وارد آخرین نبرد برای به زیر کشیدن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی شویم، داریم و در یک کلام ما هنوز در دوره ی پیشا انقلابی به سر می بریم. اینان وظایف امروز فعالین پیشرو جنبشهای رادیکال اجتماعی و وظائف امروز کمونیستهاست. اگر همه ی وظائف این دوره را که به دشمنان است به خوبی به پیش ببریم آن امری که باقی می ماند تشخیص لحظه ی درست جهت آغاز نبرد نهایی است. و این البته وظیفه فرداست.

اکنون بعد از دو هفته مبارزه پر شور

خیزش سراسری اخیر، پژواک مبارزه طبقاتی مروری بر رویدادهای روزها اخیر

اینک تاریخ مبارزات استعمار شوندهگان و ستمبران را باید به گونه ای دیگر بیان کرد، پیش از ۷ دی و پس از ۷ دی. خیزش انقلابی ۷ دی ۱۳۹۶ (۲۸ دسامبر ۲۰۱۷) بر صفحه ی تاریخ نگاشته شد، خیزشی از نوع قیام بردگان نابرخوردار از شورای رهبری اسپارتاکوس ها. آتشفشان فوران یافته است. در حالیکه اعتراض های کارگری در هر گوشه ی ایران، در خیابان و کارخانه، اما پراکنده جاری بود، روز هفتم دی ماه، در مشهد اخگر زد. برای دومین بار مشهد پس از ۲۵ سال برخاست. این کلان شهر و پایتخت امپراتوری الیگارش ولایت فقیه با تکیه بر آستان قدس رضوی برخاست. حاکمیت در پناه کاخ طلایی امام هشتم اشان که بنیاد فریبی است برای اتوریته حاکمیت اسلام سیاسی با بیش از ۱۱۰ غول تجاری به نام «مشهد مال» که ایران قطب شیعیان جهان باشد، با فریاد مرگ بر دیکتاتور، سرگیجه گرفت.

سرشت خیزش

این خیزش اجتماعی، دارای تاریخ و شناسنامه ی واقعی و دیرینه و نهفته در مناسبات و زمینه اقتصاد بهره کشی است و از همین روی دارای ماهیتی اصیل. به گذشته ای نه چندان دور، به نهم خرداد ۱۳۷۱ بنگریم. در آن روز، مشهد با فریاد ده ها هزار تن از حاشیه نشینان «کوی طلاب» در برابر سپاه اسلامی سرمایه که برای تخریب زاغه هایشان آمده بود برآشفت. آن نیز، خیزشی بود که فوران یافت و به خون کشانیده شد. آن اعتراض مردمی نیز ریشه در اقتصاد داشت. طرح «تعدیل اقتصادی» یا همان بیکار سازی و جهت دهی اقتصاد و تولید به دستور بانک جهانی و سرمایه جهانی در دولت هاشمی رفسنجانی و برای جلب سرمایه های برون مرزی و دستیابی به سود مافوق، زیر نام «سازندگی» در دستور کار قرار می گرفت. این رویکرد نولیبرالیستی، افزایش ۵۰ درصدی تورم و شورش های اجتماعی بی سابقه ای در شهرستان هایی مانند مشهد، شیراز، زاهدان، زنجان، ارومیه، اراک، مبارکه، قزوین و اسلامشهر را در پی داشت. در آن خیزش، چندین پایگاه انتظامی، بانک و مراکز تجاری، سیاسی سرمایه داران و حکومت به آتش کشانیده شد. کلاتری های ۳ و ۴ مشهد تسخیر و توده ها مسلح شدند، نهادهای دولتی مانند شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی، کتابفروشی امور تربیتی، چندین شرکت تعاونی مصرف دولتی و بیشتر بانک ها به اشغال در آمدند و یا به آتش کشیده شدند؛ از شمار کشته ها و زخمی ها و دستگیری های این خیزش گزارش دقیقی به دست نیامد، اما کشته ها و زخمی ها بسیار بودند. آن خیزش با درندگی و بی رحمی یک خونخوار به نام «سردار سازندگی»، هم رئیس جمهور بود و هم «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام» که اکنون در کنار رهبر منفورش سر به گور نهاده، و روحانی دبیرشورای عالی امنیت ملی با استناداری وقت مشهد، علی جنتی (وزیر فرهنگ دولت اول روحانی) و تکنوکرات هایی که با پیک های رفسنجانی به پراگماتیسم و استحاله رژیم به بوی سود مافوق و شراکت فریفته شده بودند سرکوب شد. خیزش سال ۱۳۷۱ ریشه در فقر و فلاکت به دست سپاه و بسیج هنوز ایدئولوژیکی که از جنگ باز گشته بود و مشروعیت حاکمیت، دستکم در میان بخش مهمی از پایگاه توده ای و اجتماعی فرو نپاشیده بود، به فرمان اهنبین رفسنجانی و خامنه ای سرکوب شد. شعله ها به خاموشی گراییدند اما نمردند. انفجار زیر پوست گدازه های خونین خرداد و تیر، تا ۲۵ سال با تراکمی از مشروطه تا هفتم دی ماه ۹۶ که به غرش درآمد. زاغه نشینان اینک در مشهد با ۴۰ درصد جمعیت ۴ میلیونی با ۲۴ میلیون زاعه نشینان در سراسر ایران، به رود خروشان تبدیل می شوند تا آستان قدس و جماران و تمامی پایگاه ها و بنگاه های اقتصادی و نظامی و شرارت رژیم را در هم کوبند. فقر

در شهرهای بزرگ و کوچک و بعد از یک سرکوب وحشیانه و گسترده رژیم و فروکش نسبی جنبش اعتراضی نباید کوچکترین احساس یاس و نومیدی نمود. نباید فراموش کرد که جنبش اعتراضی در همین مدت کوتاه بسیاری از تابوهای حاکمین و خط قرمزهای آنان را پشت سر گذارد. نباید فراموش کرد که همچنان تمام تضادها و تناقضات موجود در جامعه لاینحل مانده و مهمتر از همه اینکه رژیم در کلیت خود در برابر جامعه به زیر سوال رفته است. از اینرو شاید که حربه سرکوب بتواند دامنه مبارزات جاری را محدود کند ولی نمیتواند این مبارزات را بطور کامل مهار کند. نگاهی به اعتراضات کارگری، تجمع های گوناگون در مقابل زندانهای رژیم در دل همین سرکوب گسترده، آشکارترین بیان پتانسیل اعتراضی در جامعه است.

نباید فراموش کرد که جنبش توده ای مکانیسم های خود را داشته و به شکل یک خط مستقیم به جلو نرفته و از مسیر اوج و فروکش عبور میکند، به ویژه آنجا که یک بدیل رادیکال قابل لمس برای توده های مردم موجود نباشد. اکنون فرصتی است که هم پیشروان جامعه و هم توده های مردم به جمع بندی از این دوره از اعتراضات خویش پردازند. تجاربی که مردم در جریان همین دوره بسیار کوتاه از اعتراضات خویش کسب کرده اند، تجاربی هستند که در شرایط عادی جامعه سالها ی طولانی برای کسب آنها لازم است. به جرات میتوان گفت که اکنون جامعه ایران جامعه بیش از اعتراضات نیست. توده های مردم و بویژه پیشروان جنبش های رادیکال اجتماعی هم آگاهی بیشتری از توان مبارزاتی خود پیدا کردند و هم آگاهی یافتند که توده های مردم با ذهنیت های متفاوتی به خیابان می آیند و اینجا و آنجا هر چند در مقیاس های بسیار محدود شعارهایی را طرح میکنند که عمیقاً با منافع طبقاتی و حتی منافع روزمره و معیشتی آنان در تضاد و تقابل قرار دارد.

توده های مردم و پیشروان جامعه آموختند که بنا به روایت مارکس "انقلاب ضمن پیشروی خود یک ضد انقلاب فشرده و محکمی به وجود می آورد، یعنی دشمن را مجبور میکند که به وسائل تدافعی بیش از پیشتری متصل شود، و بدین طریق وسایل بیش از پیش نیرومندتری برای حمله تهیه نماید." کسب این آگاهیها و وظایف جدیدتری در مقابل پیشروان جامعه میگذارد. اگر ضد انقلاب خود را فشرده میکند، در اینصورت انقلاب نمیتواند در قامت یک انبوه پراکنده به خیابان بیاید، انقلاب نمیتواند بدون یک رهبری آگاه سراسری سنگر های پیشروی خویش را تسخیر کند، که بدون این رهبری نمیتواند توده های مردم را در پیچ و خم مبارزات روزمره هدایت کند و همزمان و بطور مداوم در فکر این باشد که هر کدام از گامهایش چگونه او را به سمت نبرد نهایی و مادیت بخشیدن به بدیل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی هدایت میکند.

بدون تردید ما داریمیک دوره را پشت سر میگذاریم. شاید در لحظه کنونی تدارک یک اعتصاب عمومی و همزمان شکل دادن به جنبشی برای آزادی زندانیان سیاسی و دستگیر شدگان روزهای اخیر از مهمترین مولفه های عبور از این دوره باشد.

نصرت تیمورزاده

بیست و دوم دی ۱۳۹۶ دوازدهم ژانویه ۲۰۱۸

و فلاکت و فساد و ویرانی برآمده از مناسبات سرمایه داری و شرایط ویژه، در پناه و از «معجزات» امام هشتم که خود ولیعهد مامون خلیفه عباسی بود، زمینه ساز این خیزش بود. فساد و تباهی که در پناه هشتمین امام، «استان قدس رضوی» مالک بیش از ۴۳ درصد از زمین‌های مشهد است، و از مالکیت این نهاد، شهری سرشار از تمامی جلوه های یک جامعه و نماد حکومت طبقاتی سرمایه داری و اسلامی، زمینه ساز این جرقه بود. لشکر بیکاران و مهاجرین کار و جنگ و تهی دستان به ناچار بازار فروش کلیه، کارگر برده و پرتاب شده با هزاران هزار زنان و دخترکانی برای فروش تن و جان در بازار زوار و گردشگرانی که در پی تصاحب صیغه های نوجوان به شهر «مقدس» جهان شیعی هم برای «سیاحت و هم زیارت» می آیند، آینه تمام نمای ایران بود. «مشریان» استان قدس رضوی، همانند راهیان کربلا، در امنیت و امکانات فقاهتی، به دلالتی کارگزاران مکتبی مانند ابراهیم رئیسی، رئیس فعلی «استان قدس رضوی» که در ایام نمایش انتخابات ریاست جمهوری، خود را نماینده فقرا می خواند و پدرخوانده اش، علم الهدی نماینده خامنه ای در خراسان، از بازار برده فروشان استان، نسبت به دارایی خود در هتل های امام، تن و جان زنان به فروش خویش نشانیده بودند یا بیع شرعی (خرید زنان بنا به قانون اسلام) می خریدند. مشهد، با همه ی خودویژگی هایش در مالکیت و زیر سایه استان قدس، تنها شهری نبود که اینچنین به خواری و سیاهی و نابودی افکنده شده بود. تهران با ۴ میلیون حاشیه نشین تا نیمه در فلاکت دست پا می زند و شیراز و اصفهان و تبریز و سنندج با نیم از اهالی در حاشیه و تمامی شهر های کوچک و بزرگ با روستاهای کوچیده و آواره در جستجوی نان و سرپناه.

گزارش، «سرشماری سال ۹۵ نشان داد، ۲۳۷ روستا در اصفهان خالی از سکنه شده‌اند. شدت خشکسالی در شرق اصفهان بیشتر است، اردستان، ورزنه و جرقویه مناطقی هستند که بیشترین تعداد روستای خالی از سکنه را دارند. همچنین سکنه تعداد دیگری از روستاها در بخش‌هایی از کوهپایه، نائین، خور و بیابانک، زفره، سیستان، رودشت، کراج و ورزنه نیز به طور کامل مهاجرت کرده‌اند.

خشکسالی در خراسان جنوبی در شرایط امنیتی قرار گرفته و بنا بر آمارهای رسمی دست کم ۱۷۰۰ روستا در این محدوده خالی از سکنه شده. در سمنان، براساس آمار اعلامی از سوی استانداری سمنان ۱۶۵۰ روستای خالی از سکنه شده و تنها ۴۰۰ روستا جمعیت ثابت

دارند. آب شور و چاه‌های تشنه، بسیاری از روستاهای استان فارس را هم خلوت کرده و نابودی مراتع مهاجرت روستاییان را به دنبال داشته است. شبکه روستایی ایران پیشتر اعلام کرده بود حدود ۴ هزار روستا در استان فارس و حدود ۸ هزار روستا در کرمان متروکه شده و جمعیت‌شان را از دست داده‌اند. گزارشی که براساس اطلاعات و آمار سرشماری سال ۹۵ در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهیه شده نشان می‌دهد در کل کشور ۳۰ هزار روستا خالی از سکنه شده‌اند و ۲۵ هزار روستای کمتر از ۲۰ خانوار دارند.» فرانگ جواهر (گزارشگر ایلنا) بنا به گفته ی سکینه از اهالی روستا می نویسد: «یادش نیست آخرین بار کی دکتر رفته است؛ یادش نیست آخرین بار کی گوشت قرمز خورده و یادش نیست کی قرص‌های کم‌خونی‌اش تمام شده است.» می‌گوید فرحناز دختر کوچکش همیشه دل درد دارد، اما تا شکمش ورم می‌کند و او پاهایش را در آب گرم می‌گذارد تا خوب شود...»

مالباختگان نزدیک به ۳ میلیونی، بیکاران افزون بر ده میلیونی، دستفروشان میلیونی و آنانی که دیگر خواری را بر نمی‌تابیدند، تا هسته اعتراض را دیدند، از گوشه های شهر به مرکز شوریدند. هفتم دی ۱۳۹۶ تظاهرات ده هزار نفری مردم مشهد در نخستین برآمد، علیه تمامی باندها و نظام حاکم سرمایه داری با اسلام سیاسی اش در نیشابور، شاهرود، کاشمر، یزد و قوچان و... با همان شعارها گسترش یافت. در مشهد شعار مرگ بر خامنه ای، مرگ بر روحانی، تنها اعتراض علیه فساد و فریب و سرقت حکومتیان نبود، بلکه خیزش علیه تمامیت نظام بود و از اینرو ماهیتی سیاسی و طبقاتی داشت. درد مشترک توده های تنگدست، خود تنگدستی است. بیکاری و بیماری، در جستجوی درمان و دارو، نابرخورداری از برآوردن نان شب، دست کمترین نیازهای اجتماعی و بیمه، نبود کوچکترین روزه ی امید، درد کودکان کار و خیابان و زنان به خیابان‌ها و خانه‌های «عفاف» برای تن و جان فروشی شرعی و کامدهی به میهمانان برون مرزی امام، سربازان گمنام و بدنام امام زمان و بسیجیان و پاسداران و نیروهای انتظامی مزدور و وفادار به رژیم پاسدار خانه های «عفاف»، درد زنان صیغه و پرتاب شده به خیابان، بی سرپرستان، زنان بی سرپرست و سرپرست خانواده بدون کوچکترین پشتوانه، گور خوابان، جانبازان فریب جنگ ارتجاعی ۸ ساله، دست فروشان، فروشندهگان ارگان های بدن، از مردمک چشم و کلیه ووو و کودکان ربوده شده برای فروش ارگان های بدنشان،

هزاران هزار زباله بر دوش و زباله گرد برای یافتن قوتی آلوده به هر عفونت، ملیونها انسان به اعتیاد کشانیده شد برای زمینگیر سازی نیروی اعتراض جامعه، و نیز برای سود مافیای مواد مخدر در دست سپاه و سران حکومتی، لشکر بیکاران، کارگران و کارمندان و دستمزد های ناچیز و پرداخت نشده به ماهها و سالها، و نبود امنیت شغلی و استعمار شوندهگان ۹۵ درصدی تمامی شاغلین با قراردادهای سفید امضا در بیم و ناامیدی، وامها و بده کاری ها، ورشکستگی تولید کنندگان خرد و کشاورزان، بی خانمانی و آوارگی آنان به جستجوی کار در حاشیه کلان شهرهای محاصره در زاغه و فلاکت، زندانیان زندان ایران، اسیران و قربانیان دربند سرمایه، نابودی جنگل‌ها، رودها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، و باران سرب و آلودگی های سمی از آسمان با ریز گردها و بارش سرطان و سکنه و جنازه ها و آهن پاره ها در جاده های مرگ و از آن سوی باندهای سه گانه ی حکومتی، باند بیت رهبری، دولت و سرداران سپاه و امنیتی های مافیای فوتبال و باشگاه و سینما و فیلم و دلالتان نفت و سلطان شکر و کشت افیون و دزدان دکل و بابک زنجانی ها و رضا ضراب ها، دلالتان پولشویی و طلا و نفت در کارگزاری سران سپاه، مجتبی خامنه ای و سران سپاه ووو در هرات با شراکت طالبان و ترافیک هروئین به اروپا و شکاف و گسل طبقاتی در فلات ایران، که همانند فروریزی گسل زاگرس در کرمانشاه، دهان گشود و همانند شوکی جامعه را بر جهانید.

مشهد با استان به پاخاست، خراسان علیه نظام. نیروی انتظامی می‌گریزد. خیزشی که از ۷ دی ماه آغاز شد و ارکان نظام تا دورترین گوشه های ایران به لرزه درآورد. از روز نخست رسانه‌های حکومتی کوشیدند اصولگرایان و شخص علم الهدی کارگزار خامنه ای در خراسان را سازمانده یک اعتراض کنترل شده به سان اهرم فشار بر رقیب خویش، یعنی دولت روحانی وانمود سازند.

مرگ بر خامنه ای، مرگ بر روحانی، مرگ بر دیکتاتور!

مفسد اقتصادی اعدام باید گردد!
اسلامو پله کردن، مردومه ذله کردن.

خیزش سراسری می‌شود!

کرمانشاه صبحگاه ۸ دی ماه، توده های رنج و ستم بازتاب دهنده ی خواست های خیزش در مشهد بودند. شرق ایران، با شعارهای «مرگ بر روحانی»، «مرگ برخامنه ای»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «مرگ بر دیکتاتور» و... خونین و زخمی از گسل زمین لرزه

اعتراف کرد که شعارها «ساختارشکن» هستند: مرگ بر این حکومت مذهبی! کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! نان، کار، آزادی! بترسید، بترسید ما همه با هم هستیم! کل حاکمیت را نشانه گرفته، بیانگر عبور از شعار: «نترسید، نترسید...» روی به خویش سال ۸۸ بود، مرگ بر این حکومت فاشیستی!

خامنه ای پس از ۱۳ روز سکوت مرگبار خود را شکست. او که اکنون برای پیروانش قلابی تر از پیش از ارشوی رقبا افشا می شود که چگونه به دست رفسنجانی نیرنگ باز، به صورت «رهبر موقت» به آیت الله ها و مومنین و پیروانش در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ در حالیکه خود خامنه ای اعتراف می کند: «اولا واقعا باید خون گریست بر جامعه اسلامی که حتی احتمال [رهبری] کسی مثل بنده در آن مطرح شود». و در ادامه می گوید «مسئله اشکال فنی و اساسی دارد، رهبری صوری خواهد بود نه رهبری واقعی». و «چه از نظر قانون اساسی و چه از نظر شرعی برای بسیاری از آقایان، حرفم حجیت قول



رهبر را ندارد... این چه رهبر خواهد بود». رهبر مافیای، در شوک، هراسیده به حرف آمد: "نقد مردم فقط به اقتصاد نیست، آنها راجع به فساد و عدم شفافیت حرف دارند و می گویند مسائل باید شفاف باشد." و خیزش و خواست ها را پیش پا افتاده جلوه داد که «صندوقهای مشکل دار یا بعضی از مؤسسات مالی مشکل دار، بعضی از دستگاههای مشکل دار» بعضی از مردم را ناراضی کرده اند. «آن تمناهای مردمی یا درخواستهای مردمی یا اعتراضهای مردمی در این کشور همیشه بوده، الان هم هست... هیچ کس هم با اینها مخالفت و معارضه یی ندارد. باید به این حرفها رسید، باید گوش کرد، باید شنید. باید در حد وسع و توان به آنها پاسخ داد.»

فراموش نمی کنیم که همین چندماه پیش بود که همین خامنه ای جنایتکار، فرمان آتش به اختیار را صادر کرد.

۱۳۸۸ نشانی نیست. عبور از تمامی رنگ های سبز و سیاه و خاکستری، از موسوی تا خاتمی و ملی مذهبی های همیشه فریبکار. خیزش سراسری شد. در شهرهای بزرگ نیروهای حکومتی زمین گیر شدند تا کلان شهرها به ویژه تهران را از سقوط محافظت کنند. شب ها خیابانها در دست خیزشگران است. چندین شهر از جمله ایذه، شاهین شهر، قهدریجان به دست خیزشگران برای ساعت ها آزاد شدند. فرمانداری اراک، بسیاری از پایگاه های و مراکز نیروهای انتظامی و بسیج به دست توده ها افتاد و به آتش کشیده شدند. در بسیاری از شهرها نیروهای حکومتی راهی جز فرار نیافتند. خودروها و موتور سیکلت های سرکوبگران به آتش کشانیده شدند. سنگر بندی خیابانی با جنگ و گریز جلوه ی یک قیام است. عناصری از نیروهای انتظامی به مردم پیوستند، برخی از بسیجیان کارتهای عضویت خود را به آتش کشیدند. در بسیاری از شهرها، عکس های روحانی و خامنه ای به آتش کشیده شدند و

زیر پا لگدمال شدند، در شیراز بنر عکس قاسم سلیمانی به زیر کشیده و آتش زده شد. این اقدامات مستقیم، بیانگر اراده و پتانسیل در حال پویمندی جامعه ای است که کلیت نظام را به زیر خواهد کشید و نظام و مناسبات اش را لگدکوب خواهد کرد. این یک اراده از کف جامعه است و از هیچ نیروی فردی و سیاسی بیرون از خود اراده نمی پذیرد. زنان در سراسر خیزش، از رشت گرفته تا مشهد، در تهران، و در بلوچستان پیشتاز و شکوه آفرینند. در خیزش کرمانشاه روز جمعه ۸ دی ۹۶ زنی رزمنده و شجاع در برابر نیروهای سرکوبگر انتظامی با شعار مرگ برخامنه ای پیشتاز بود. در رشت زنی کارگر ایستاده در میان، با بیان درد و خواست خویش، چکامه می سراید. شعار تا حقمو نگیرم، هر شب همین بساطه» سراسری شد و بیانگر اراده مردمی است که به سوی فاز اعتلای انقلابی راستا گرفته اند. حکومت

برخاست، کوبنده و خشمگین. این شورش با ۸۸ تفاوت داشت. این، از کف جامعه برخاسته، از کارگران بیکار و شاغل و تهی دستان شهر و روستا، از هستی بر باد رفته گان، یغمازدگان در سالها، که با فریب و نیرنگ و مسلسل های مارک دار الله نشان و قرآن و کتاب های دینی و امامانی که برای سرقت و برده داری آمده بودند، به زانو نشانیده اما تن سپار نبودند.

تلگرام، شبکه خبرسانی ۴۰ میلیونی در ایران، کارسازترین رسانه گروهی است و اینستاگرام به ۳۵ میلیون کاربر. در شب ۹ دی گزارش شد که در جلسه ای در شورای عالی امنیت حکومتی، به پیشنهاد حسن روحانی رئیس جمهور، دستور داده شد تا تلگرام و اینستاگرام فیلتر شوند بیشتر یو تیوب و فیس بوک فیلتر شده بودند. مرکز تلگرام در روسیه است و روسیه پشتیبان حکومت اسلامی. صدا و سیمای حکومتی روز بعد، اعلام کرد «با تصمیم سطوح عالی امنیتی فعالیت تلگرام و اینستاگرام به طور موقت محدود می شود» و هر دو از دسترس خارج شد.

سراسیمگی حاکمیت سیاسی سرمایه

در برابر خروش سراسری روحانی، کارگزار اجرایی سرکوب، روز دهم دی، توده های به پا خاسته را به «گفتگوی منطقی و بیان نقد» فراخواند: «برای بیان نقد باید یک شیوه کاملاً منطقی، دقیق و قانونی بوده و در نهایت منجر به اصلاح شود، اظهار داشت: اگر شیوه ای برای بیان نقد انتخاب شود که بواسطه آن مردم در زندگی، کسب و کار، رفت و آمد و سرمایه گذاری، دچار تردید و نگرانی شوند و دشمنان ما دست افشانی و پایکوبی کنند، حتما شیوه ای غلط است.» و در هراس از خروش سرنگونی، وعده داد: «تردید ندارم دولت ما به عنوان منتخب مردم و ملت ما به عنوان ولی نعمت ما، در کنار هم به راحتی می توانیم بسیاری از مشکلات را حل و فصل کنیم و برای برطرف شدن برخی از مشکلاتی که زمان بر است، شکیبایی کنیم.»

بیان او گلوله بود و کشتار در زندان و خیابان. و یاران او آدمگشان، لمپن های پروارنیده شده در دامان اسلام. توده های به پا خاسته، با شعار مرگ بر خامنه ای و خواست سرنگونی کلیت نظام یکپارچه فریاد زدند:

"نان، مسکن آزادی"، "لشکر زحمتکشان، خروشید توی ایران"، "چه غزه، چه ایران، ستم بر زحمتکشان!" "دانشجو کارگر، اتحاد، اتحاد!" "کارگر، معلم، اعتصاب، اعتصاب!" ... دیگر از "رای من کو" و "الله اکبرهای سال

کمی، به یورش دست زدند. شماری زخمی و بازداشت شدند. چهار تن از رهبران درویش گنابادی که شعار الله اکبر سر می دادند آزاد شدند. این همایش و شعارها در برابر زندان خوفناک اوین، نشانگر اراده مندی توده ها و فروریختن ترس در برابر حاکمیتی است که در سرازیری حتمی فروپاشی کشانیده است.

گزارش می شود که در خوزستان به بازداشت شده گان در تظاهرات سراسری فقط آب داده می شود. شمار زیادی از بازداشت شدگان شهرستان‌های استان خوزستان از هفته گذشته به اهواز منتقل شده‌اند...

گزارش‌های دریافتی از شهرهای سنندج، سقز، مهاباد و کرمانشاهان و... خبر از سراسیمگی رژیم و تلاش برای تسلیح کردن بازنشستگان سپاه، جاش‌ها و مزدوران محلی و گسیل دادن آنها را به سطح شهرها را دارد. وحشت رژیم از قیام گرسنگان سران امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی به حدی است که میادین و مراکز اصلی شهرها را به پادگان نیروهای مسلح بزدل خود درآورده.

شب هنگام ۱۴ دی ۱۳۹۶ مرکز شهر میروان میلناریزه شده است. به گزارش کولبرنیوز: «این نیروها که بیشتر از سپاه، بسیجیان و مزدوران محلی هستند با یک نگاه گذرا فوراً نظر مردم را به وحشت و هراس خود جلب می کنند. از بس که از مردم شورشگر هراس دارند همه مانند گله‌های شغال جلو مانیتورها و چشمک دوربین‌های مدار بسته بانک‌ها، سینما و پاساژهای شهر در خود می لولند و به هرعابری با چشم دشمن خیره می شوند.»

دکل صدا و سیمای جمهوری اسلامی در میروان، شامگاه دهم ژانویه ۲۱ دی ماه، به آتش کشیده شد. شهرداری مهاباد در هراس از آتش زدن نمادهای حکومتی، اقدام به جمع اوری بنرها و تابلوهای جنایتکاران حاکم بر ایران کرده است. این اعتراف به سرنگونی است. مردم می گویند، اگر شهرداری اینکار را نکند خودمان تصاویر این جانیان را به آتش کشیده و زیر پا له خواهیم کرد.

واکنش‌ها و بازتاب خیزش در رسانه‌های بورژوازی

رسانه‌های جهانی سرمایه، شعارهای حاشیه‌ای را درشت نما کردند. و رژیم بر این شعار خم شد تا آنرا توطئه‌ی سلطنت طلبان جلوه دهد. رسانه‌های سرمایه، شعار اعتراضی مقایسه دو مستبد دست نشانده، که یکی زیر اتهام به توپ بستن مسجد گوهر شاد و گنبد امام هشتم ایشان در مشهد و دیگری با همان گنبد و مسجد امپراتوری ساخته، به

قتل رسید. خاکسپاری او در روز ۱۵ دی انجام گرفت. سارو قهرمانی از سنندج که ناپدید شده بود بعد از ۱۱ روز جنازه شکنجه شده اش از طرف وزارت اطلاعات تحویل خانواده‌اش گردید. همچنین روز ۲۳ دی نیروهای انتظامی چالوس، پیکر بیجان علی پولادی از روستای گویترا از بخش مرزن آباد را به خانواده‌اش تحویل دادند.

حکومت، در زندان‌ها، زیر شکنجه تا کنون دستکم ۷ نفر از اسیران را به قتل رسانده است. این قتل‌های حکومتی است که قاتلین حاکم، مسئولیت این جنایت‌ها را به عهده نمی گیرند. حکومت اسلامی به اینگونه همانند جنایت کهریزک سال ۸۸، کشتار مبارزین را یکی در پی دیگری، «خودکشی» اعلام می کند.

روزنامه ایران به نقل از توییتهای وزیر آموزش و پرورش نوشت دو نفر از قربانیان دانش آموز بوده‌اند: آرمین و شایان، آرمین ساکن خمینی شهر بوده که به ضرب گلوله نیروهای رژیم به خون غلتیدند. اصغر هدایت، فرماندار فلاورجان، کشته شدن ۶ نفر از خیزشگران در تسخیر کلانتری قهدریجان در استان اصفهان را اعتراف کرد. هجدهم دی ۱۳۹۶ (۸ ژانویه ۲۰۱۸) - بنا به اعلام «کمیته‌ی پیگیری بازداشت‌های اعتراضات سراسری دی ماه ۹۶» سینا قنبری (۲۲ ساله)، پس از ۷ دی ماه بازداشت شده، شب شانزدهم دی ماه در قرنطینه‌ی زندان اوین به قتل می رسد. «نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در تماس با دو تن از نمایندگان مجلس، ادعا کرده‌اند که او خودکشی کرده است. از سرنوشت یک معترض بازداشت شده‌ی دیگر خبری نیست. مسؤلان زندان اوین به خانواده‌ی اشکان آسواران (۲۰ ساله) گفته‌اند که او مفقود است. درحالی‌که اشکان آسواران روز ۱۴ دی خبر بازداشت خود را با تلفن به خانواده اش داده بود.»

سرلشکر باقری فرمانده کل نیروهای سرکوب حکومتی با وقاحت رهبر گفت: «کشته‌های اتفاقات اخیر «مشکوک» هستند! / تیراندازی‌ها از پشت سر و یا مناطق نامشخص انجام شده / حقوق بشر اسلامی ما از همه کشورهای غربی پیشرفته‌تر است...»

روز سه‌شنبه ۱۹ دیماه افزون بر هزار نفر از خانواده زندانیان سیاسی و مردم مبارز تهران با همایش دوباره در برابر زندان اوین خواستار آزادی عزیزان خود شدند.

آنان با شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «دانشجوی بیگناه آزاد باید گردد» خواستار آزادی بی‌درنگ زندانیان شدند. با پیوستن صداها نفر از خانواده‌های دستگیر شدگان به همایش، در حالیکه نیروهای ضد شورش در هراس آزاد سازی زندان با فراخواندن نیروهای سرکوبگر

خیزش از هفتم دی تا بیستم دی در شهرهای قم، خمین، جوی‌آباد اصفهان، مسجد سلیمان، تبریز، تهران، لاهیجان، تاکستان، مشهد و اراک ادامه داشته است. سمنان، دماوند، زنجان، اردبیل، مراغه، سنندج، کنگاور، خمینی شهر، نجف آباد، دهدشت، یزد، اهواز، مسجد سلیمان، ماهشهر، شادگان، و روز ۹ دیماه، مشهد، گرگان، بهشهر، آمل، تنکابن، رشت، تبریز، ارومیه، ابهر، هشتگرد، کرج، تهران، ساوه، سمنان، کاشان، اراک، دورود، ملایر، خرم آباد، دزفول، ایذه، شیراز، بندرعباس، کنگان، شهرکرد، لاهیجان، قائم شهر، بوشهر، قزوین، همدان، خوی، زاهدان، لنجان، مهرشهر، آبادان، ایلام، سوسنگرد، ملایر، چابهار، خوی، جهرم، کازرون، برازجان، نورآباد ممسنی، یاسوج، بیجار و وو تا سراسر ایران افزون بر ۱۱۰ شهر بزرگ و کوچک با جویبار خون، در ۳۱ استان جاری است.

پیوستن قم، مرکز حوزه‌ها، پرورشگاه و محل زیست فربه‌ترین آیت‌الله‌های انگل، مرکز صدها هزار طلبه، و انواع عناصر لشکر دعا، رمالی، نوحه و مسموم کنندگان مغز و جان، به ناگهان، چشمگیر و معنا دار است. این پیوستن و خیزش، همانند شورش در واتیکان علیه پاپ می ماند و این یک شورش در دل ارتجاع است. پیوستن قم، فریاد همان درد مشترک تھی دستان، و زحمتکشانی بود که در کرمانشاه و اصفهان و قهدریجان برخاست.

تا کنون در تویسرکان، ۶ نفر، قهدریجان، ۶ نفر، شاهین شهر ۳ نفر دورود، ۴ نفر از جمله حمزه لشنی زند، حسین رشنو، امیرحسین پایی، در ایذه دو نفر، مسعود کیانی قلعه سردی، خمینی شهر، آرمین صادقی، شایان... کرمانشاه: بهزاد شاسواری و در میروان دستکم جانباختن یک نفر با نارنجک نیروی انتظامی گزارش شده است. محمد حیدری (سهراب) دانش‌آموز ۱۳ ساله، نعمت‌الله شفیع کارگر، شب ۱۰ دیماه در شهر قهدریجان استان اصفهان با شلیک مستقیم سپاه و ماموران نیروی انتظامی جانباختند. در هنگام نگارش این نوشتار، پیکر بیجان جوان خیزشگر، آریا روزبهی در روز ۲۰ دیماه در رود کارون به دست آمد. یه شیوه‌ی هراس آفرینی حکومت، قتل بازداشتگان در زندان و اعلام «خودکشی» است.

وحید حیدری، کارگر بیکار و دستفروش که در جریان قیام اراک بازداشت شده بود، با کوبیدن باتون بر سر در زندان جان باخت. قتل او را خودکشی اعلام کردند. هنگام خاکسپاری وحید، در بهشت زهرا اراک، شکاف عمیق دشته در پهلوی نمایان بود. محسن عادل (بختیاری) روز ۹ دی، در دزفول روده شد و در زندان به

خارجی در امور داخلی ایران را غیرقابل قبول خواند و ابراز امیدواری کرد که توطئه شکست خواهد خورد.»

نوری المالکی، نخست وزیر پیشین و دست نشانده رژیم ایران، معاون رئیس جمهور کنونی جانی عراق، دست نشانده حکومت اسلامی، وظیفه گرفت تا بگوید: اعتراضها در ایران «یک مسئله داخلی است؛ ولی دشمنان ایران و اذتاب آنها برای ایجاد آشوب و بی ثباتی در این کشور تلاش می کنند.»

سخنگوی وزارت خارجه چین، کشوری که اصلی ترین سهم بر جنایت تجاری در ایران است، ۳ ژانویه/۱۳ دی ۱۳۹۶ گفت: «پکن گزارش های پیرامون وضعیت ایران را رویت کرده» و «امیدوار هستیم ثبات در ایران حفظ شود و این کشور توسعه پیدا کند.»

روسیه با اتاق فکر و مهندسی به رهبری الکساندر دوگین، پشتیبانی از حکومت و سلطه در خیابان ها را رهبری می کند. روسیه به پیشبرد جنگ نیابتی برای حضور نظامی و اقتصادی در منطقه، با تحت حمایتی بشار اسد، می کوشد خامنه ای و باند های حاکم را تحت حمایتی قرار دهد. در نشست شورای امنیت برای بررسی خیزش جاری در ایران، سازمان ملل، نماینده روسیه همانند چین به این سیاست ضد انسانی اعتراف کرد.

پیام خیزش و رزمنده از درون زندان

زندانی سیاسی آتنا دائمی در نامه ای از زندان اوین پشتیبانی خود را از جنبش سراسری اعلام کرد. در بخشی از این نامه آمده است «من هم یک شر، فتنه گر، آشوب گر، اغتشاش گر، کف خیابانی، جنایتکار و معترض! اینها صفاتی ست که این روزها به مردم معترض در ایران نسبت داده شده است... مردم این روزها از فشارها و ظلم های ۴۰ ساله حکومت استبدادی که هر روز بیشتر و بیشتر شد، به خیابانها آمدند و مسالمت آمیز از مطالبات خود گفتند. اما در آن هنگام که سرکوبها و قتلها و ضرب و شتم و بازداشتها شروع شد، مردم هم در دفاع از خویش و خواسته هایشان خشمگین شدند. از این خشم مردم به عنوان جنایت نام بردند، اما در واقع به کار بردن کلمه جنایت در برابر سرکوبها و اعدامها و ظلم های این ۴۰ سال حکومت بس کوچک و حقیر است!

در خصوص همین روزها گفته نشد که کپسول های بزرگ گازهای فلفل و اشک آور را به سوی صورت معترضان نشانه گرفتند و خالی کردند که برای ختنی کردنش چاره ای جز آتش نیست! نمی گویند که به ناگهان

هزاران بسیجی و گارد امنیتی باتون و

اسلامی به پیش برد. در پی این واکنش ها رضا پهلوی و مریم رجوی، با بیانیه هایی به میدان آورده شدند تا خیزش انقلابی سراسری را در نخستین تند پیچ آن، برابند. مریم رجوی خطاب به سران سرمایه جهانی گفت: «رژیم آخوندی هیچ آینده یی ندارد، سرمایه گذاری روی آن محکوم به شکست است و زمان آنست که جامعه جهانی سرنوشت خود را به این رژیم گره نزنند و مقاومت مردم ایران را برای سرنگونی آن به رسمیت بشناسند.» و به اینگونه کارگزاران بحران و استعمار و جنگ و فلاکت کنونی در جهان را به سرمایه گذاری روی مجاهدین خویش که هم اسلام را پاسدارند هم سرمایه را، فراخواند.

توماس اردبرینک، خبرنگار نیویورک تایمز در تهران در روز ۹ دی (۲۹ دسامبر) نوشت که «این تظاهرات و اعتراضات علیه کارنامه ناکارآمد دولت حسن روحانی است...»



ناآرامی ها در شهر سه میلیونی مشهد آغاز شد، شهری که اعتراضات علیه شرایط بد اقتصادی به این وسعت در بیست سال اخیر بی سابقه است.» سردبیر روزنامه خراسان نوشت که «احساس ناامیدی، تبعیض و بی پناهی» عامل اعتراضات بوده ..»

عباس عبدی، روزنامه نگار اصلاح طلب و کارگزار سیاسی-امنیتی باند دولتی ها، آغاز اعتراضات را نتیجه «تحریک افرادی که از موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز مبالغ هنگفتی وام گرفته و حاضر به پس دادن نبودند» می داند. «(منطق دوگانه چرا؟ عباس عبدی/ پشت ماجرای تجمع در شهر مشهد) سایت الف. حامیان دولت حسن روحانی از دست داشتن محمود احمدی نژاد، و حامیان او در سازماندهی اعتراض ها می گویند و سپاه پاسداران همانند رهبرشان، نیز نسبت به «فتنه جدید» هشدار می دهد.

بشار اسد، با پرونده نسل کشی و جنایت تاریخ علیه بشریت، دست نشانده پوتین و حکومت اسلامی ایران، در سوریه، «هرگونه دخالت

نام شاه خواهی توده های به پا خاسته وانمود کردند. بی بی سی فارسی به یاری مزدورانی مانند مسعود یهنود و فرخ نگهدار و دیگر کارگزاران رسانه ای سرمایه، تمامی تلاش خود را در وارونه جلوه دادن خیزش و خواستها و سرشت آن، به سود سرمایه جهانی و باند روحانی به کار بردند بی بی سی از زبان تحلیل گر خود «شهیر شهید ثالث» روز ۹ ژانویه جنبش را پایان یافته اعلام کرد! از بیم تبدیل شدن ایران به سوریه به نحوی کم سابقه از اعتراضات فاصله گرفتند.» و سبب آن را «خشونت توده ها»، و هراس توده ها برای «گذار از روحانی» و... تبلیغ کرد.

روز ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷ ترامپ در نخستین واکنش خود در توئیترش نوشت: «گزارش های بسیاری که از اعتراضات مسالمت آمیز شهروندان ایرانی منتشر شده است نشان دهنده یی به تنگ آمدن آنها از رژیم فاسدستی که ثروت ملت ایران

را در پشتیبانی از تروریسم در خارج از مرزهای کشور بر باد داد می دهد.»

ترامپ خطاب به نظام ولایت فقیه نوشت: «حکومت ایران باید به حقوق مردم ایران احترام بگذارد، از جمله آزادی بیان آنها.» او تاکید کرد که «جهان نظاره گر اعتراضات در ایران است.» [توئیتر دونالد ترامپ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۷]

ترامپ رهبر امپریالیسم آمریکا، در تلاش برای آلترناتیو سازی خویش همانند سال ۵۷ به رهبری کارتر، پشت شعار دفاع از حقوق بشر در ایران اعلام کرد: «ایران، نخستین دولت حامی تروریسم با موارد زیادی از نقض حقوق بشر که به صورت ساعتی اتفاق می افتد، حالا اینترنت را هم قطع کرده تا کسانی که به صورت صلح آمیز تظاهرات می کنند، نتوانند با هم ارتباط برقرار کنند. اصلا خوب نیست!» با اعلام صوری ایجاد اینترنت رایگان و قوی برای «مردم»، و تهدید تبلیغاتی برای تشدید تحریم ها، ترامپ و دستگاه دولتی امپریالیسم آمریکا، بزرگترین خدمت را به حکومت

چماق به دست به خیابان فرستادند تا مردم را مورد ضرب و شتم قرار دهند! این حکومت است که خشونت را به وجود آورده و حال آن را در می‌کند! این سرکوبگران هستند که باعث خشم مردم در این روزها شدند».

شعارمان را از شعوری بیشتر بهره مند سازیم روز دوشنبه ۱۸ دی از زندان اوین، سهیل عربی، زندانی سیاسی در پی روزها اعتصاب غذا، برای دومین بار پیام داد:

«... ما براندازیم با جور نمی‌سازیم» ما نمی‌بازیم بر ظلم می‌تازیم؛ بر ظلم می‌تازیم. شعارمان را از شعوری بیشتر بهره مند سازیم. نه اصلاح طلب نما نه اصول گرا و نه حتی اعتدالی نما پایان دهیم به ماجرا کلید حزابی که دغدغه ای جز بر سر سفره انقلاب ماندن و غارتگری نداشته اند؛ قفل زنگ زده را باز نخواهد کرد. کلید در دست تو و من است. بجز من و تو هیچکس و هیچ کجا درد ما را چاره نخواهد کرد.

برای پیروزی بیش از هر چیز باید مطالباتمان را بدانیم... بهره مندی از قوانین متناسب با نیازهای امروز و پایان دادن به سیستم سرمایه داری فاسد ولایتی... و حتی... مثل بیت رهبری حوزه علمیه آستان قدس رضوی و میلیته کابیتالیزم سپاه پاسداران باید در راس مطالباتمان قرار گیرد. اما راه رسیدن به مطالباتمان باید این حقیقت را بپذیریم که جمهوری اسلامی هرگز زبان مسالمت آمیز را نفهمیده است و نخواهد فهمید. نوشتیم، حکم اعدام دادند، خواندیم، به زنجیر کشیدند راهپیمایی سکوت کردیم، و کشتند.

آری گاهی برای رسیدن به صلح باید جنگید. و اکنون که یارانمان را کشتند و به زنجیر کشیدند چاره ای نیست مگر آنکه را قلم را در یک دست و اسلحه را در دست دیگر بگیریم. و تا پایان یعنی سرنگونی سلطنت عمومه بر سران و چفیه پوشان ادامه بدهیم و...»

«باور کنیم که هر دیوار ظلم و جوری در هم شکستنی است»، گلرخ ایرایی

زندانی سیاسی گلرخ ایرایی، زندانی در بند زنان زندان اوین، روز ۱۸ دی به همبستگی نوشت: «پایان راه یقینا دست یافتنی خواهد بود وقتی که بخواهیم و باور کنیم. باید ترفندهای حریف را بشناسیم و در فراز و فرودهای راه مبارزه به دور از احساسات و سرخوردگی و نومییدی به نقطه پایان که همانا آزادی از بند استبداد و ارتجاع است بیاندیشیم. باور کنیم هر ترسی ریختنیست، هر خواسته‌ای دست یافتنیست و هر دیوار ظلم و جوری در هم شکستنیست...»

بامداد روز چهارشنبه ۲۰ دی ۹۶ جوانان دلیر قیام؛ یک پایگاه بسیج را در تهران به آتش کشیدند.

پشتیبانی و پیوند جنبش کارگری

جنبش کارگری در تداوم همایش های اعتراضی خود، با ورود به فاز پشتیبانی از جنبش سراسری امید آفرین می شود، رنگ و روی خیزش به جنبش طبقاتی فرا می‌روید.

۱۷ دی ماه، هفت ژانویه: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری طی انتشار بیانیه ای خطاب به خیزشگران سراسری اعلام کرد، «گسترش مبارزات پیگیر و مستمر شما علیه ابعاد روزافزون فقر و فلاکت از جانب مناسبات سرمایه داری و حاکمیت آن نشان از آن دارد که دیگر چنین وضعیتی برای کارگران و توده های مردم به جان آمده، قابل تحمل نبوده و نیست.»

در این بیانیه همچنین آمده است، در بستر چنین مناسبات غیر انسانی است که نسل جوان و پرشوری از کارگران و مردم به جان آمده از ستم و استثمار طبقاتی که همواره زندگی شان با فلاکت و تحقیر و توهین همراه بوده، به پا خاسته اند. آنها با حضور گسترده خود در خیابان ها اعلام کرده اند که دیگر نمی‌توانند این وضعیت اسفبار را تحمل کنند و نمی‌خواهند شاهد و ناظر تحمیل این همه بی‌حقوقی، فقر، ستم و استثمار باشند. پشتیبانی از مبارزات به حق کارگران و زحمتکشان و فریادشان برای رهایی از ستم و استثمار عین حق و عدالت است.»

گزارش می‌شود که کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۷ دی، در «همه قسمت‌های کارخانه» دست به اعتصاب زدند. در پی این اعتصاب، شماری از کارگران مانع حمل نیشکر به داخل شرکت هفت‌تپه شدند.»

*فراخوان به تجمع جمعی از فعالین

کارگری شرکت نیشکر هفت تپه*

فریاد بزینم «نان، کار، آزادی!»

«روز یکشنبه به تاریخ ۱۷ دیماه همه می‌آییم.

مردم ایران سلام

بدین وسیله ما کارگران شرکت نیشکر هفت تپه حمایت خود را از اعتراضات سراسری در اکثر شهرهای ایران را اعلام می‌کنیم و معتقدیم مردم ایران جامعه‌ی معترضی است و امروز صدای اعتراض از تمام نقاط این سرزمین به گوش می‌رسد و دادخواهی می‌کنند و مسئولین نظام بجای اینکه شونده‌ی صدای دردناک فقر و بیکاری و گرسنگی ملت شریف ایران باشند، به روال گذشته بار دیگر همان مکانیزم تکراری برخورد با معترضین دردمند را در پیش

گرفته‌اند.

بدین‌گونه که نیروهای امنیتی و بسیج با عصبانی کردن، مردم معترض را وادار به واکنش فیزیکی و تبدیل اعتراضات به صحنه‌ی خشونت می‌نمایند، سپس صداوسیما خود فروخته وارد معرکه شده و فقط صحنه‌های خشونت مردم را به تصویر می‌کشاند تا مردم معترض را اغتشاش‌گر معرفی کرده تا برای دستگیری و به بند کردن معترضین بکار خود شرعیت بدهند.

مردم ایران هوشیار باشید و فریب بازی کثیف صداوسیما میلی و نیروهای امنیت را نخوریم و صبورانه و بدون خشونت فریاد بر آریم که دیگر خسته‌ایم از این همه بی‌عدالتی و تبعیض... لذا ما جامعه‌ی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه با توجه به حق اعتراض و اعتصاب که در اصل ۲۷ قانون اساسی نیز آمده است و ادعای مسئولین نظام مبنی بر عدم مخالفت تظاهرات مسالمت آمیز، از تمام اصناف و سندیکاها و جوامع کارگری کشور دعوت بعمل می‌آوریم تا در روز یکشنبه ۱۷ دی ماه ۹۶ از ساعت ۱۶ به خیابان‌ها آمده و در تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی شرکت نموده و بدون خشونت، اعتراض خود را به بی‌عدالتی و حق خوری‌های گسترده در کشور ایران، فریاد بزینم: نان، کار، آزادی.»

روز یکشنبه به تاریخ ۱۷ دیماه همه می‌آییم.

جمعی از فعالین کارگری شرکت نیشکر هفت تپه/ جمعه ۱۵ دی ماه ۹۶

روز دوشنبه ۱۸ دی ماه ۹۶ کارگران کارخانه شماره یک نساجی قائمشهر در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست از کار کشیده و مقابل شورای این شهر تجمع کردند. یادآوری میشود: این کارخانه از یک سال پیش توسط شهرداری در قائمشهر خریداری شد دو ماه است که دستمزدها و حقوق کارگران و کارمندان پرداخت نشده ... که نگران وضعیت شغلی خود هستند.

کارگران پیمانی شاغل در پروژه ساخت سد سفارود رضوانشهر در استان گیلان، شش ماه روز مطالبات مزدی و بیمه‌ای پرداخت نشده دارند. کارگران، روز (۱۷ دی ماه) در اعتراض به مطالبات مزدی خود، دست از کار کشیده و همایش کردند.

سه شنبه شب ۱۹ دی ماه؛ رانندگان کامیونهای سوخت رسانی پالایشگاه اصفهان که از روز سه شنبه دست به اعتصاب زدند. امروز چهارشنبه وارد دومین روز اعتصاب خود شدند. و مردم در هراس از تهی شدن ذخیره بزین، به پمپ بزین ها هجوم آوردند.

کارگران شرکت ماشین آلات صنعتی

تراکتورسازی تبریز؛ چهارشنبه ۲۰ دی ماه؛ بیست و هفتمین روز اعتراض خود را ادامه دادند. معاون روابط کار اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان آذربایجان شرقی با وعده دروغین نتوانست کارگران را به تولید بازگرداند. به گفته کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز، «از زمان اعلام ورشکستگی این واحد صنعتی از ۱۰ ماه پیش بابت معوقات حقوقی طلبکاریم. درعین حال مطالبات دیگری همانند حق بیمه، سختی کار و.. داریم.»

کارگران نساجی قائم شهر روز ۱۷ دی در برابر شورای شهر همایش اعتراضی داشتند.

کارگران شرکت حمل و نقل بین المللی خلیج فارس

همان شرکت سراسری که در پی زلزله در کرمانشاه، در یک همبستگی خودجوش، کارگران و کارکنان اش با کامیونهای شرکت از استانهای کردستان، کرمانشاهان، فارس، مرکزی، زنجان، خراسان ووو به یاری زلزله زدگان شتافتند، روز ۱۸ دی در اسلام شهر در میدان نماز با مشتهای گره کرده در خیابان به همایش برآمد با شعار: «عزا عزا است امروز، روز عزا است امروز، زندگی کارگر، رو به فناست امروز!»

روز چهارشنبه ۲۰ دی ماه کارگران کارخانه هیکو که از روز پنجم دی ماه، اعتصاب شان را در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت ماه ها حقوق شروع کرده بودند امروز سومین هفته از اعتصاب را با راهپیمایی و تجمع مقابل استانداری ادامه دادند و خواهان رسیدگی به خواسته هایشان شدند.

شنبه ۱۹ دی در ادامه تجمع اعتراضی دانشجویان و بستگان دستگیر شدگان خیزش سراسری، نیروی گارد ویژه تجمع کنندگان را محاصره و به آنها حمله کرده و با باتوم مورد ضرب و شتم قرارداد. معترضین با شعار «بترسید بترسید ما همه با هم هستیم» و با سنگ مقابله می کنند.

بنا به گزارش های دریافتی دوشنبه ۱۸ دی ماه ۹۶ کارگران کارخانه شماره یک نساجی قائمشهر در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده، دست از کار کشیده و در برابر شورای شهر به همایش اعتراضی پرداختند.

چهارشنبه ۲۰ دی ماه ۹۶ جمعی از کارآموزان شرکت های نفتی غرب کارون در اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی خود و عدم به کارگیری شان در شرکت های نفتی برای چندمین بار مدر برابر فرمانداری هویزه و دشت آزادگان، همایش کردند.

دانش آموزان اهوازی و بلوچ در دو راهپیمایی اجباری روز ۱۷ دی با شعار مرگ بر خامنه ای و خامنه ای بی نا.س، پاسخ دندان شکنی به «امام» بی «امت» دادند.

تک تیراندازان کوله بران و اسبها را به خون می نشانند. قتل ۴ کولبر و زخمی شدن ۳ کولبر دیگر با شلیک مستقیم نیروی انتظامی در مرز میان ارومیه و ترکیه در روز ۱۲ دی. از ۱۲ دی ماه تا ۲۰ دی قتل و زخمی شدن ۷ کولبر دیگر به وسیله ی نیروهای انتظامی حکومت، گزارش شده است.

اعتراض انجمن های صنفی کارگران ساختمانی به نحوه صدور کارت مهارت فنی گزارش شد که بیش از ۴۰ انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور با تهیه طومار و ارسال آن به رئیس فراکسیون کارگری مجلس (علیرضا محبوب چماق دار) تاکید کرده اند که نایبمانی های پیش آمده در آزمون کارت مهارت فنی کارگران ساختمانی و رساندن آن به دست کارگران سبب سردرگمی آنها شده است.

در خرم آباد بیکاران در مارش خیابانی خونیش فریاد زدند:

«ایمه همه بیکاریم، خداتونه در آریم!»

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، به جنبش می پیوندند:

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در ۲۰ دی از جمله با اخطار به اعتصاب اعلام کرد: «... ما خواهان رفع محدودیت های ایجاد شده در فضای مجازی و رسانه ای و آزادی هر چه سریعتر بازداشت شدگان روزهای اخیر هستیم. دانش آموزان و دانشجویان در فصل امتحانات خویش بوده و نیازمند آرامش هستند، بایستی سریعاً زمینه های آزادی آنان فراهم گردد و فضای امنی برای فعالیت شوراهای صنفی دانشجویان فراهم شود..»

ما خواهان پایان دادن به فقر و بیکاری و تبعیض در شکل های مختلف هستیم و معتقدیم کسانی که شرایط فلاکت بار امروز را بر مردم و جامعه تحمیل کرده اند باید محاکمه شوند. همان افرادی که در لباس خدمت، از موقعیت خویش سوءاستفاده کرده و با رانت و رشوه و اختلاس باعث گسترش فقر و بیکاری در جامعه شدند. غارت و چپاول صندوق ذخیره فرهنگیان و بانک سرمایه یک نمونه آشکار از این فساد است که طی سال های گذشته، افرادی در دولت های مختلف در بروز آن نقش داشته اند.

ما خواستار توقف سیاست های تبعیض آمیز از قبیل خصوصی سازی (خصوصی)، افزایش قیمت مایحتاج عمومی، افزایش قیمت

حامل های انرژی، زیر خط فقر نگه داشتن دستمزد و بودجه ناعادلانه ۹۷ و در یک کلام جلوگیری از فساد اداری و مالی هستیم و ضمن تاکید بر حق تشکل یابی صنفی و مستقل و پیگیر مطالبات صنفی حوزه ی آموزش و پرورش، اعلام می کنیم در صورتیکه مطالبات فرهنگیان بازنشسته و شاغل باز هم از سوی نهادهای مسئول نادیده گرفته شود، شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، حق اعتراض و تجمع را برای خود محفوظ می داند و برای تحقق مطالبات انباشته شده فرهنگیان و دانش آموزان، از تمام توان خود استفاده خواهد نمود...»

بیانیه ی مشترک دو سندیکای کارگری: اعتراض امروز فرودستان و کارگران نتیجه بی عدالتی است

• سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از حکومت خواستند پیش از این با مردم به جان آمده خشونت نکنند!

تسهیلات بانکی برای ایجاد شغل، صرف دلالی و مال اندوزی افراد خاص شد و سیاست های غلط، بیکاری را به اوج رساند. فقر گسترش یافته و کارتن خوابی و کار کودکان و زباله گردی برای سیر شدن شکم رواج یافته است. بیمه های درمانی برای کارگران و مردم ناکارآمد است. اختلاس و دزدی اموال عمومی رواج یافته است. با گران شدن خدمات دولتی و حامل های انرژی، گرانی ها در سایر بخش ها نیز شدت گرفته است. کمر فرودستان با هدف مندی یارانه ها شکست ولی سال به سال به ازاء مبلغ ثابتی که به مردم پرداخت شد آزاد سازی قیمت ها گسترده تر شده است.

اعتراضات و اعتصابات به حق کارگران و معلمان با ضرب و شتم، اخراج، شلاق و زندان پاسخ داده شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و دیگر سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری و تشکلات مستقل معلمان که از حق کارگران و معلمان دفاع می کنند نه تنها به رسمیت شناخته نمی شوند بلکه با آنها خشونت شده است و نمایندگان آنها دائماً با حبس و دادگاه مواجه بوده اند...»

مبارزه متحدانه خلقهای عرب و بختیاری و تضعیف پایه های ارتجاع در مناطق نفت خیز میتواند مرگ ارتجاع را به شدت تسریع بخشد

۳۷ تشکل دانشجویی در نامه ای به وزیر علوم رژیم خواستار پیگیری وضعیت دانشجویان بازداشتی و آزادی بی قید

→ و شرط آنان شدند. گزارش های حکومتی از بازداشت افزون بر ۱۰۰ دانشجو خبر می دهند.

جغرافیای جنبش در سراسر ایران و زمینگیر کردن نیروهای سرکوب، ضامن تداوم جنبش پیروزمند است. حکومت، به سختی هراسناک شده، بیشترین نیروی خود را در تهران متمرکز کرده است و جرات انتقال نیرو و پراکنده سازی ماشین سرکوب را ندارد. کنترل و سلطه در تهران، تمام امید رژیم است. اگر تمامی شهرستانها و شهرهای کوچک و بزرگ یکپارچه به سنگرهای آزادی تبدیل شوند، نیروهای محلی در جا زمینگیر می شوند و تهران می تواند یکپارچه خیزش شود. ضربه پذیری رژیم در تهران است. مشهد و تبریز و شیراز و اصفهان اینک میدان هایی اند که می توانند آزادسازی تهران را تسهیل کنند. پیوستن کردستان و آذربایجان به جنبش نقش تاریخی در همبستگی سراسری شورانگیز و تعیین کننده است در پیوند با طبقه کارگر سازمان یافته و آگاه در رهبری جنبش اعتلایی تا رسیدن به شرایط انقلابی.

سرمایه جهانی به رهبری امپریالسم آمریکا، با شتاب در حال تشکل دهی آلترناتیو بورژوازی است با شعار رفرا ند رضا پهلوی، تلاش سکولارها، جمهوری خواهان، مجاهدین خلق، ملی مذهبی ها، بخش هایی از فرمیست های حکومتی، آدمفروشان اکثریتی - باند توده ای ووو را بسیج می کند. بی بی سی فارسی همانند سال ۵۷ تریون باند دولتی های، اصلاح طلب و ملی مذهبی ها با شعار رفرا ند و با سناریو «یک دل و دو دلبر»، در تلاش است تا همراستا با آلترناتیو سازی آمریکا، در جنایتی دیگر علیه یک خیزش و انقلاب حتمی وظیفه مند باشد.

خیزش سراسری در نخستین فاز پیشا-اعتلا انقلابی جاری است، به پیش می رود تا به گونه ای رادیکال، دست به ریشه برد. توانایی و پیروزی این خیزش، تکامل آن به جنبش طبقاتی است، به رهبری طبقه کارگر آگاه و سازمان یافته در ارگان های توده ای و طبقاتی و سیاسی خویش. حزب کمونیست ایران، به سان ستادی کمونیستی در رهبری طبقه کارگر ایران برای سرنگونی مناسبات حاکم و دستیابی به راهبردهای انقلاب سوسیالیستی در این شرایط تاریخی نقش تعیین کننده ای به عهده دارد.

از مبارزات آزادی خواهانه مردم زحمتکش علیه نظم موجود حمایت کنیم! (اطلاعیه مشترک ۴ حزب و سازمان)

بیش از ۱۰ روز است خیابان های شهرهای کوچک و بزرگ در سراسر کشور، صحنه ی اعتراضات پرشور جوانان، زنان و عموم توده های زحمتکشی ست، که به پا خاسته اند تا به وضعیت فلاکت باری که رژیم جمهوری اسلامی به بار آورده، پایان بخشند.

مردم زحمتکش و آزادی خواه ایران با خیزش های دلاورانه و تداوم اعتراضات خیابانی خود نشان داده اند که از فقر و ستم و بیکاری به ستوه آمده اند، علیه تبعیض و گرانی و نابرابری به اعتراض برخاسته و برای تأمین رفاه و آزادی و برابری، چنگ در چنگ نظام حاکم و سران مستبد آن افکنده اند.

رژیم ارتجاعی و ددمنش حاکم بر این خیال است که با توسل به قوه ی قهر و سرکوب خونین معترضان قادر است توده های مردم را مرعوب سازد. نیروهای سرکوب رژیم تاکنون بیش از ۲۰ نفر را به قتل رسانده و نزدیک به ۲۰۰۰ تن را بازداشت و روانه زندان ساخته اند. اما تداوم اعتراضات و خیزش های خیابانی و شعارهای کوبنده مردم زحمتکش، یک بار دیگر نشان می دهند که با حربه سرکوب نمی توان توده های مردم ناراضی را از صحنه اعتراض و مبارزه حذف کرد. مادام که مردم ایران از چنگال ظلم و ستم و بیداد رها نشده و به آزادی و رفاه دست نیافته اند، مبارزه ادامه و تعمیق بیش تری خواهد یافت. ادامه ی جنبش اعتراضی جوانان، بیکاران، زحمتکشان و تهیدستان جامعه، در پیوند با جنبش اعتصابی کارگران، معلمان، پرستاران و سایر زحمتکشان تعمیق بیش تری خواهد یافت و مسیر براندازی قطعی تمام نظم موجود را هموارتر خواهد ساخت.

مردم مبارز و آزادی خواه ایران!

ما امضاکندگان این بیانیه از خیزش انقلابی شما علیه رژیم ارتجاعی حاکم و از تمام مبارزات آزادی خواهانه و برابری طلبانه ی شما قویا حمایت می کنیم و امر خود را کمک به تداوم این خیزش سراسری می دانیم.

ما بر این باوریم که خواست های جوانان، بیکاران، زحمتکشان و تهیدستان و زنان ستمکش ایران که با شعار "کار، نان و آزادی" به رویارویی با رژیم سرمایه داران و انگل های مفت خور برخاسته اند، جدا از خواست های کارگران، معلمان و پرستاران نیست.

ما از عموم کارگران و معلمان و دیگر اقشار زحمتکش دعوت می کنیم با روی آوری به اعتراض و اعتصاب، جبهه ی اعتراض علیه نظم موجود را تقویت کنند و این اعتراضات را به مرحله ی عالی تری ارتقا دهند.

ما مداخله گری قدرت های امپریالیستی به کمک نیروهای اپوزیسیون بورژوازی جهت به انحراف کشاندن این خیزش سراسری را مانعی بر سر راه پیشروی و پیروزی این جنبش می دانیم و بر این باوریم که تنها با تکیه بر آگاهی و سازمان یابی جنبش کارگری و جنبش به پا خاسته مردم رنج دیده ایران می توان این موانع را برطرف کرد.

ما هم چنین سرکوب و کشتار و بازداشت اعتراض کنندگان را شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان و تمام زندانیان سیاسی هستیم.

**گرامی باد یاد جانباختگان خیزش سراسری مردم ایران
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم**

۲۰ دی ۱۳۹۶ (برابر با ۱۰ ژانویه ۲۰۱۸)

امضاها به ترتیب حروف الفبا:

حزب کمونیست ایران

سازمان راه کارگر

سازمان فداییان (اقلیت)

هسته اقلیت

فریدون ناظری

"کارد به استخوان رسیده"

(تبعیض و بی عدالتی و غم نان تا کی؟)



(۱)

شروع خیزش ۹۶:

اکثریت مردم بوده و هستند و همگی جوهر وحدت طلبانه کارگری داشتند. شعارهایی زیر موید این واقعیت است: "دانشجو آگاه است + با کارگر همراه است"، "کارگر، معلم، دانشجو - اتحاد، اتحاد!" و "کارگر، معلم + اتحاد، اتحاد." در صف متحد مردم حضور وسیع زنان چشمگیر بود. معترضین با شعار "آزادی جامعه، آزادی زنان است" از آنها استقبال کردند.

در یکی دو روز نخست بعضی شعارها طوری بود که مورد سوء استفاده اصلاح طلبان حکومتی قرار گرفت. آنها اصولگراها، و نه کارگران بیکار، را عامل شروع تظاهراتها قلمداد کردند. معترضین و تظاهر کنندگان بلافاصله با شعارهای "خامنه‌ای روحانی + دشمن

مردمانی"، "اصلاح طلب، اصولگرا + دیگه تمومه ماجرا"، "نه شاه، نه شیخ، نه رهبر + مرگ بر هرچه ستمگر" توی دهان آن ژاژخایان زدند و موجب گشتند تا اصلاح طلبان حکومتی نقاب دروغین "دموکراسی" خواهی را سریعا بدور افکنند، در کنار جلادان و شکنجه گران قرار بگیرند و خواهان سرکوب شدید معترضین گردند.



با توجه به واقعیاتی که به گوشه هایی از آنها اشاره شد باید گفت خیزش

کنونی بسیار ریشه دار است. تا زمان نوشتن این مقاله نیروهای سرکوبگر قادر شده اند با دستگیری ۳۷۰۰ نفر، کشتن ۷ نفر از آنان زیر شکنجه و کشتن بیش از ۲۲ نفر در خیابانها موجب کاهش چشمگیر دامنه خیزش شوند. اما این امر موقتی است.

پس از کاهش موقتی اعتراضات از خرمن آتش اعتراض و خشم توده های کارگر و آزادیخواه علیه نظم سرمایه و حکومت دیکتاتوری مذهبی یک شعله بیشتر از بقیه دوام آورد و آنها تجمع در مقابل زندان اوین بود. این مرکز جنایات نجومی دو رژیم پهلوی و اسلامی که وسیله ای برای حفظ رژیم است اکنون مورد هجوم معترضین شجاع شامل مادران و افراد فامیل دستگیر شدگان خیزش اخیر قرار گرفته است و نمایانگر ریزش بیشتر ترس مردم تحت ستم از نیروهای سرکوبگر است.

بر زحمتکشان" جای مشخص تر آنان در جبهه سیاسی چپ را عیان تر نمود.

محمد قراگوزلو در مقاله "شکوه خیزش مردم بی لبخند" در این مورد چنین نوشته: "اکثریت مطلق آنان را ارتش ذخیره ی بیکاران، کارگران اخراجی و بیکار شده (تعديل شده!!) و گرسنگان شهری تشکیل می دهند. بنا بر مشاهدات فوری و میدانی نگارنده، به ندرت می توان افراد میان سال به بالا را در میان معترضان خیابانی سراغ گرفت. از میان ۴۳ (تهران) و ۳۵ (مشهد) و ۲۹ (اصفهان) نفر معترضی که به سخت ترین شکل ممکن در خیابان با پلیس درگیر بودند و مورد سئوال نویسنده و دوستان ام قرار گرفتند به ترتیب ۳۶ و ۲۸ و ۲۲ نفر بیکار مطلق و ۲۴

تا ۳۵ ساله بودند! بدون هیچ درآمدی! و جالب این که در شهرهایی مانند قهدریجان و دورود و شاهین شهر و کنگاور که رادیکالیسم جنبش تا حد یک میلیتانیسی آشکار ارتقا یافته، متوسط نرخ بیکاری به مراتب بالاتر از سایر شهرها بوده است. مضاف به این که دست کم در ۵۹ شهر از ۸۱ شهری که در خیزش مشارکت داشته‌اند، در چهار ماه منجر به خیزش حداقل یک آکسیون مردم بی لبخند و یک اعتراض مشخص کارگری شکل بسته است. (۱)

طبعاً نمی توان منکر شد که در کنار کارگران و زحمتکشان اقشاری نیز وجود داشتند که به بورژوازی متوهم بودند. آنها در روزهای نخست توانستند شعارهایی به نفع دشمنان طبقاتی کارگران را در میان سایر شعارها رخنه دهند. این شعارها در روزهای بعد تکرار نشدند و به جای آن شعارهایی داده شد که خواست

در هفت دی ۹۶ زنان و مردانی معترض در مشهد با شعار "نه به گرانی"، "مرگ بر روحانی" و "مرگ بر دیکتاتور" به خیابانها ریختند. این اعتراضات در نیشابور و کاشمر نیز تداوم یافت. فراخوان این تظاهراتها از طریق شبکه های اجتماعی داده شد. پاسخ دهندگان به فراخوان به این ترتیب خیزشی را شروع کردند که علیرغم توحش نیروهای سرکوبگر با دادن شعار و ارائه مطالبات رادیکال و رادیکال تر در دهها شهر گسترش یافت.

شروع مبارزات در یک شهر صنعتی بزرگ و مالا مال از ثروت مثل مشهد که سرمایه داری در سایه اسلام به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنرا عمیقاً دچار نابرابری طبقاتی، نابرابری جنسیتی، بیکاری گسترده، فقر مزمن (۳۰ درصد از جمعیت شهر در محلات حاشیه ای و محروم از امکانات حداقلی شهری می زیند) و فساد همه جانبه کرده و نیز در کنار بررسی مطالبات و شعارها نمایانگر دو واقعیت بود: این اعتراضات در جوهر خود کارگری و ضد اسلام، به تعبیر جمهوری اسلامی، است. همین ظرفیت سبب گردید که آکسیونها به سرعت در بین ۸۰ تا ۱۰۰ شهر، بویژه شهرهای صنعتی و مهمی چون تهران، تبریز، اصفهان، اهواز، کرج، اراک و نظایر آنها، گسترش یافت و با سرعتی کم نظیر از "نه گرانی" به "جمهوری اسلامی نمی خوایم، نمی خوایم" فراروئید. در واقع و به طرز دقیق تر باید گفت که نیروی فعال آن کارگران بیکار و جوان و مردم زحمتکشی هستند که در چند دهه اخیر توسط سرمایه و جمهوری اسلامی به لحاظ سیاسی و اقتصادی به خاک سیاه نشانده شده اند. شعار "لشکر زحمتکشان + خروشید توی ایران" بر واقعیت فوق دلالت دارد. تکرار یک شعار سنتی چپ نظیر "نان، مسکن، آزادی + شادی، رفاه، آبادی" جبهه سیاسی آنها را مشخص کرد. عبور سریع معترضین از شعارهای ناسیونالیستی "نه غزه، نه لبنان + جانم فدای ایران" به شعار انترناسیونالیستی "هم در غزه، هم لبنان + ستم



رهبری خیزش

کلید تداوم خیزش کنونی، با نشیب و فرازهای قابل انتظار آن، تعمیق آگاهی مبارزاتی، کمک به سازماندهی و وحدت این رهبران و مجهر کردن آنها به یک استراتژی سوسیالیستی است. این رهبران تا کنون سمتگیری طبقاتی و سیاسی خویش را نمایان ساخته اند. آنها خواهان تداوم مبارزه متحدانه در جهت رفع ستم طبقاتی و سیاسی، تامین برابری و برقراری حکومتی هستند که در خدمت مردم باشد. این رهبران، جوانانی ناشناخته اند و در این منطقه و آن شهر به تنهایی و یا به صورت شبکه های کوچک عمل می کنند.

این رهبری در اساس خود کارگری و ضد ناپرابری طبقاتی است. شعار "آقا خدایی می کند + ملت گدایی می کند" نمایانگر این ویژگی است. آنها با شعار "نه آمریکا، نه روسیه + امروز آخوند تو قوطیه" نشان دادند در عین ضدیت با جمهوری اسلامی در برابر دو دولت امپریالیستی بزرگ دوران ما توهمی ندارند. چنانکه قبلا بیان شد آنها ضد ناسیونالیسم و معطوف به انترناسیونالیسم هستند. آنها وحدت طلبند و خواهان پیوستن تمام اقشار ناراضی به خیزش هستند. تقویت و یا ایجاد تشکل های طبقاتی و حزبی که به هموار کردن راه پیروزی کمک می کند بر بستر تداوم این خیزش ممکن تر از همیشه می شود.

طبعاً پراکنده بودن و ناشناس بودن این رهبران در سطح توده ای یکی از ضعف های این رهبری است که در خود و در حال حاضر نقطه قوت آنهاست. تحلیل و جهت تاکید باید گفت که خیزش کنونی (غیر از مناطق کردنشین که فعالین در سطح منطقه همدیگر را می شناسند) از وجود مجموعه ای شبکه رهبری جوان، پراکنده و محلی (محلّه ای) خبر می دهد که ناشناسند. قاعدتا شبکه رهبران موجود از مبارزات و آکسیون های کارگری چند دهه گذشته درس هایی را فرا گرفته اند. اما پراکندگی آنها اجازه نداده تا تمام تجارب و دانش خود را به کار گیرند. به همین جهت نتوانسته اند با آماده سازی لازم با نیروهای سرکوبگری روبرو شوند که اوج توحش و بی رحمی خویش را در سال ۱۳۸۸ و بویژه در زندان کهریزک (که اکنون نیز تکرار شده) نشان دادند. آنها گرچه تاکتیک تداوم اعتراضات در شب را اتخاذ کردند، اما هنوز نتوانستند با میزان نیروهای سرکوبگر بسیج شده چنان روبرو شوند که نه تنها حرکت خیزش دچار کاهش نشود، بلکه افزایش هم یابد. اما این پراکندگی و ناشناس بودن در عین حال امکان سرکوب

آنها را به شدت کاهش داده است. در ضمن این رهبران گرچه در برابر هر دو جناح رژیم موضع دارند، اما هنوز نشان نداده اند که در برابر سایر اقشار بورژوا و خرده بورژوازی مرفه موضع دارند و این امری حیاتی است. کلا و با اتکا به رهبران موجود این احتمال قوی است که ما به زودی شاهد گر گرفتن دوباره آتش اعتراض، افزایش جمعیت شرکت کننده در خیزش و تبدیل آن به جنبشی فراگیر باشیم؛ جنبشی که در اولین گام جمهوری اسلامی را درو کند.

آیا زمینه برای تحقق این پیش بینی فراهم است؟

آینده:

برای ترسیم یک آینده محتمل و در جهت کوتاه کردن مطلب من روی سه مولفه تکیه خواهم کرد.

الف: مقدمه

قبل از هر چیز باید یادآور شد که این مبارزات در اوج گنبدگی نظام سرمایه داری و در حالی جریان یافته که بحران جهانگیر اخیر در غرب برای چند صد میلیون کارگر و زحمتکش بهبودی جز کاهش درآمد، خدمات و از دست دادن بیشتر حقوق سیاسی ارمان دیگری نداشته و تبلیغات درآمدن از بحران در مورد آنها صادق نیست. البته برای ۱۰ درصد و بویژه یک درصد از راس جمعیت بهبود و پول اندوزی نجومی عمدتا از طریق بازی با سهام و قمار اقتصادی ممکن شده است. به همین دلیل اکنون اقتصاد آمریکا با حباب عظیمی روبروست که هر آن امکان ترکیدن دارد.

در دل این بحران بورژوازی بی بدیل غرب به لحاظ اقتصادی جز تشدید سیاست ریاضت اقتصادی، پناه بردن به استقرار، کاستن از مالیات های مجتمع های عظیم راهی پیدا نکرده. این مالیات ها برای مجتمع هایی کاهش یافته که قبلا هم تریلیون ها دلار سرمایه خود را به بهشت های مالیاتی منتقل کرده و یا در داخل کشورها با استفاده از انواع حیل کمترین مالیات ممکن را می پرداختند. محصول سیاسی این بحران در عرصه سیاست هم به خوبی نمایان شده که برای آمریکا سرکار آمدن یک نیمچه فاشیست و نژاد پرست مثل ترامپ می باشد که در سلامت عقلش گمان هست.

ب: امپریالیسم آمریکا

و جمهوری اسلامی:

با شروع خیزش کنونی ترامپ و سایر اعضای کابینه آمریکا به پشتیبانی از اعتراضات به اصطلاح "مسالمت آمیز" مردم پرداختند و حتی

این مسئله را به شورای امنیت کشاندند. در خیزش ۸۸ اوپاما فقط در دو سه روز اول از آن دفاع کرد. همینکه بافت معترضین تغییر کرد و شعارها علیه مقامات بالای جمهوری اسلامی و کلیت رژیم فرا رفت خود را کنار کشید. اما منافع منطقه ای آمریکا و کسب تجربه آنها در روزاوا سبب شده تا هم اکنون کابینه ترامپ بتواند خود را حامی مردم جلوه دهد و فکر کند در صورت قدرت گیری احتمالی چپ توان آنرا دارد از درون آنرا به انحطاط بکشد.

تبلیغات آمریکا که از طریق رسانه ها و شبکه های اجتماعی و اقدامات پنهانی پیش می رود روی شعارهایی متمرکز است که معتبرین علیه مداخله رژیم در لبنان، سوریه، فلسطین و یمن دادند. سران آمریکا در همان حال که کوشش می کنند بر میزان فشار بر رژیم برای هماهنگ کردن سیاست های خود با استراتژی آمریکا در منطقه بیافزایند مواظب هستند که کارگران ضد سرمایه داری و سوسیالیست و کمونیست کلیت رژیم را به خطر نیاندازند.

با توجه به وضع داخلی آمریکا، از دست رفتن هژمونی آن در جهان و منطقه می توان گفت که امکان تاثیر گذاری امپریالیسم آمریکا بر مبارزات و اعتراضات کارگران و مردم زحمتکش ایران محدود است. در ضمن بدرستی میتوان مدعی شد که ایران یکی از ضعیف ترین حلقه های زنجیر امپریالیسم در جهان است. با اینحال این امپریالیسم با پول عربستان هنوز می تواند از طریق تقویت گرایش لیبرالی (و نه اسلامی) خطر آفرین باشد.

ج: جمهوری اسلامی:

جمهوری اسلامی محصول بحران اقتصادی و سیاسی دهه هفتاد میلادی در غرب است. امپریالیسم آن بحران را به ایران منتقل کرد. در نتیجه این اقدام زیر پای حکومت پهلوی جارو گردید و انقلاب ۵۷ شروع شد. چپ ها و کارگرا در این مبارزات توده ای، که منجر به قیام بهمن گردید، تقویت شدند و کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری غربی به استفاده از تمام امکانات رسانه ای، نظیر (بی.بی.سی)، جاسوسی و نظامی ها و سایر امکانات به شکل دادن به حکومت اسلامی کمک کردند. در نتیجه این اوضاع رژیم جدید از همان ابتدا نامتعارف و ناقص الخلقه و به سرعت زاده شد تا دستاوردهای انقلاب ۵۷ و نیروهای مخالف و کمونیست را در خون غرقه کند. این کار که انجام گرفت و حکمت تاریخی رژیم به این اعتبار تمام شد جنگ ایران و عراق بداد جمهوری اسلامی رسید. با شکست در جنگ و سرکشیدن جام زهر از جانب



خیمینی کار جمهوری اسلامی مدعی
 قسط اسلامی به سر رسید.

بعد از اتمام جنگ از ۱۳۶۸ بعد رژیم به کمک کابینه های رفسنجانی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی کوشید متعارف شده و به اقتصاد جهانی پیوندند که شکست خورد. حاصل این شکست، یک کلاف سر در گم اقتصادی مافیایی، دلالانه و با شبکه پیچ در پیچ وصل شده به مراجع نظامی و مذهبی است که روز به طرف ورشکستگی می رود. در این پروسه دیکتاتوری هار مذهبی مداوما هار تر شده و ابزار سرکوب به تنها وسیله بقای رژیم تبدیل شده است. این واقعیت در خیزش اخیر برجسته تر از هر دوره ای خود را نشان داد.

در شروع اعتراضات موضع سپاه این بود که مردم حق دارند نسبت به شکست کابینه روحانی در تحقق خواست های معیشتی معترض باشند. روحانی ضمن قبول حق اعتراض "مسالمت آمیز" گفت مطالبه مردم معترض فقط معیشتی نیست، بلکه آنها خواهان شفافیت هستند. اصلاح طلبان حکومتی هم همین موضع را بیان کردند. یکی دو روز نگذشته بود که تظاهر کنندگان راس هرم پوسیده جمهوری و هر دو جناح را آماج حملات خود قرار دادند و سپس به کلیت رژیم رسیدند. خامنه ای مثل همیشه مبارزات مردم را به تحریکات آمریکا و اسرائیل (و عربستان) نسبت داد. محمد علی جعفری، فرمانده سپاه و موسوی، فرمانده کل ارتش، آمادگی برای کمک به تشدید سرکوب توسط پلیس، وزارت اطلاعات و قوه قضایی را اعلام کردند. سپاه در شهرهای بزرگ مستقیما وارد عمل شد و به هدایت پلیس، بسیجی ها و سایر نیروهای سرکوبگر پرداخت. در نتیجه اقدامات مشترک اینان سرکوب شدید شروع شد. با اینکه جناح ها و سران آشفته جمهوری اسلامی پس از سخنان خامنه ای صرفا و با هم فقط تحریکات بیگانه را عامل اعتراضات مردم شمردند، ناگهان کاظمی صدیقی، امام جمعه موقت تهران، روز جمعه ۲۲ دی، گفت کمبود تبلیغات مذهبی عامل به قول او "فتنه" بوده و خواستار شد که هزینه دستگاه های خرافه پراکنی در لایحه بودجه افزایش یابد. در واقع او در کنار شکنجه و کشتار در خیابان ها و زندان ها خواهان افزایش شکنجه و کشتار

روحی شد. در یک کلام در ایران وضع معیشتی طبقه کارگر، مردم زحمتکش و اقشار متوسط پایین رو به تنزلی غیرقابل تحمل رفته و تشدید بی حقوقی سیاسی و سرکوب بر آن اضافه شده است. این رژیم ناقص الخلقه با اسلام رسوا شده در ایران و منطقه و جهان به دیوار شکسته ای شبیه است که نیرویی باید آنرا از بن براندازد و این نیرو تاریخا طبقه کارگر است.

د: طبقه کارگر:

علیرغم سرکوب های شدید توسط استبداد حاکم جنبش کارگری توانسته زنده و رو به رشد در میدان مبارزه باقی بماند و این اواخر تناسب قوا را تا حدی به نفع خود تغییر دهد. همانطور که گفته شد خیزش اخیر در جوهر و ریشه خود کارگری است و اکثر رهبران آن از جنبش کارگری مایه گرفته اند. همین خصوصیت سبب شد که چندین تشکل مستقل کارگری و فعالین شناخته شده از اعتراضات حمایت کرده و توحش نیروهای سرکوبگر علیه آنرا محکوم کنند. همین خصوصیت موجب گشت تا اعتراضات بر عکس سال ۸۸ بلافاصله در کردستان مورد حمایت عملی قرار گیرد و تظاهرات ها در چند شهر آن سازمان و تداوم یابد.

کارگرانی که پس از چند دهه مبارزه تناسب قوای نسبتا مناسبی را برای خود ایجاد کردند توانستند با ایجاد خیزش اخیر این تناسب را به درجات زیادی بازهم به نفع خود تغییر دهند. مطالبات سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر مطالبات اکثر جمعیت ایران است. بنابراین آتشی که این جنبش بپا کرده خاموش شدنی نیست.

سخن پایانی:

تاریخا ناتوانی سیستم سرمایه داری در اداره نرمال جوامع عیان شده و تلاش گوناگون برای شکل دادن به احزاب قدرتمند کمونیستی و بدیل شورایی مورد پذیرش طبقه کارگر و توده زحمتکش در اطراف و اکناف عالم شروع گردیده است. بخشی از این تلاش در کشورهای خاورمیانه در حال انجام است. خیزش مردم تونس در ۲۰۱۱، که پایه کارگری داشت و

زین العابدین بن علی را به زیاله دان تاریخ انداخت، دوباره شروع شده است. کارگران و مردم ضد دیکتاتوری در مصر نیز گرچه به خاطر توهم به ارتش و نیز سرکوب توسط آن به سکوت کشانده شده اند، اما آتش زیر خاکسترند. مبارزات اخیر ایران و کلا مبارزات ضد سرمایه داری بازار آزاد و دیکتاتوری در خاورمیانه و شمال آفریقا ریشه در گندیدگی سرمایه داری دارند و به همین دلیل از یک خانواده هستند.

در چنین حالتی طبقه کارگر باید با بدیل شورایی و با استفاده از سایر تجارب و دانش تاریخی خود به کارگران سازمان یافته این کشورها نزدیک شود، به تبادل تجارب و آرا پردازد و با آنها تشکل های رزمنده و لازم را بسازد. خیزش کنونی کارگران و مردم در ایران در صورت تداوم این ظرفیت را دارد که مبارزات در خاورمیانه را دوباره شعله ور و حتی در کشورهایی که با جنبش کارگری ایران ارتباط نزدیک دارند الهام بخش شود.

بر بستر اوضاع کنونی قدرتمند شدن و یا بوجود آمدن یک حزب کمونیست قدرتمند و دارای هژمونی کارگری واقعی کاملا ممکن است. شکل گیری چنین حزبی می تواند عامل به پیروزی رساندن خیزش کنونی، متحد کردن آن با جنبش کارگری موجود و حرکت دادن آن به طرف سوسیالیسم، که یک خواست تاریخی است، باشد.

۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ - ۲۴ دی ۹۶

(۱) عنوان مقاله را از یک پلاکارد کارگران در حال اعتراض در ایران گرفته ام.

(۲) "شکوه خیزش مردم بی لبخند"، محمد قراگوزلو، سایت اخبار روز. تیتیر مقاله به یکی از شعر های زنده یاد احمد شاملو اشاره دارد تحت عنوان "بگذار برخیزد مردم بی لبخند".



سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

در ارتباط با اعتراضات اخیر در ایران

چند روزیست که کارگران و زحمتکشان ایران، جوانان و زنان آزادیخواه، علیه گرانی، بیکاری و فقر، همچنین علیه رژیم استبدادی جمهوری اسلامی، در اکثریت شهرهای بزرگ ایران به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهرات زده‌اند.

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تلاش است که این اعتراضات را با آتش و خون خاموش کند. تا همین حالا علاوه بر دستگیری‌ها و پی‌گردهای فعالین، بیش از بیست ۲۰ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کرده‌اند.

این موج از اعتراضات به سرعت خواست سرنگونی رژیم فاسد مذهبی و اسلامی را مطرح کرد، که این خود دلیل به بن بست رسیدن هر گونه اصلاحاتی در چهارچوب این رژیم است. توده‌های کارگر و زحمتکش، با تجربیات خود دریافته‌اند که چاره بیکاری و گرانی و رهایی از این شرایط زندگی پر از فقر و بی‌حقوقی، بر چیدن بساط این نظام می‌باشد.

رژیم جمهوری اسلامی به مثابه‌ی یک ضد انقلاب، با شکست دادن انقلاب سال ۵۷ (۱۹۷۹) به قدرت رسید و بیش از سی و هشت ۳۸ سال است که به وسیله‌ی شرع و قوانین اسلامی اش، به کمک نیروهای سرکوبگری چون سپاه پاسداران و بسیج، بی‌حقوقی و سرکوب و خفقان را بر مردم تحمیل کرده تا از نظام سرمایه‌داری ایران دفاع و آن را حفظ کند. امروز بحران‌های این نظام تبدیل به بحران خود قدرت سیاسی یعنی دستگاه حکومت اسلامی سرمایه داری شده است.

اعتراضات گسترده این روزها در خاورمیانه، از مراکش و الجزایر گرفته تا کردستان و عراق و ایران نشان از آن دارد که سرمایه‌داری و رژیم‌های رنگارنگ سرمایه داری و قومی و اسلامی این کشورها در منطقه، بدون تحمیل فقر و بی‌حقوقی و بدون سرکوب عریان، حتی توانایی یک زندگی عادی و اداره امور جامعه را ندارند.

تجارب انقلاب‌های تونس و مصر با توقف از مرز رفرفرها از بالا، با جابجایی سران منفور این رژیم‌ها و دست زدن به سیستم اقتصادی و اجتماعی نشان داد که علی‌رغم همه قربانی‌های کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان، لکن شرایط زندگی شان در جای خود دست نخورده باقی ماند.

بحران اقتصادی و سیاسی کنونی در ایران زمانی به سود کارگران و زحمتکشان ایران و کل خاورمیانه پایان می‌یابد که این اعتراضات و تظاهرات، و این به میدان آمدن‌ها و قیام‌ها از محدوده براندازی قدرت سیاسی فراتر رفته و کل سیستم اقتصادی و اجتماعی را با عمامه‌های اسلامی اش جارو کند.

زنده باد تظاهرات و اعتراضات انقلابی مردمی در ایران!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

مرکز مبارزه کارگری و توده‌ای در کردستان (عراق)

۱-۲۰۱۸-۴

مردم استثمار شده و حق طلب،

تنها گوشه‌ای از توان خود را به رژیم نشان داده‌اند!

برای کارگران و توده‌های مردم ستم‌دیده ایران که در اعتراضات اخیر شرکت کرده‌اند، پر واضح است که خامنه‌ای دروغ می‌گوید. آنها می‌دانند که اظهارات او مبنی بر دخالت دولت‌های بیگانه در راه افتادن اعتراضات اخیر چیزی جز توجیهی فریبکارانه برای اقدامات سرکوبگرانه کنونی نیست. آنهایی که خود اعتراض کرده و می‌کنند، می‌دانند که به خاطر شکم گرسنه خود و خانواده‌شان دست به اعتراض می‌زنند و در مقابل نیروهای سرکوبگر سینه سپر می‌کنند. می‌دانند که به خاطر کسب آزادی و حفظ کرامت انسانی شان اعتراض می‌کنند و برای تحمل عواقب آن نیز آماده‌اند. مردم به جان آمده می‌بینند که تحت حاکمیت رژیم اسلامی، چگونه ثروت‌های این جامعه توسط کلاشان درون حاکمیت دزدیده می‌شود و خانواده‌های آخوندها و کار بدستان در چه کاخ‌هایی و با چه امکاناتی افسانه‌ای زندگی می‌کنند. می‌بینند که حاصل استثمار کارگران و غارت ثروت‌های کلان زیرمینی، چگونه صرف هزینه‌های جنگی در آنسوی مرزها و کمک به گروه‌های تروریست اسلامی و آراستن و حفاظت از اماکن مذهبی در منطقه می‌گردد. می‌دانند که هیچ یک از جناح‌های رژیم هیچ برنامه و راه حلی برای بهبود این وضعیت ندارند و وعده و وعیدهاشان نیرنگی بیش نیست.

اما توده‌های مردم به جان آمده در اعتراضات اخیر تا کنون تنها گوشه‌ای از نیرو و اراده خود را برای رسیدن به خواست و مطالباتشان به رژیم نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی نیز علیرغم بلوف و جار و جنجال می‌داند چنانچه این وضع ادامه یابد و کارگران و توده‌های مردم زحمتکش بتوانند همه نیرو و توان متشکل خود را با رهبری و برنامه و استراتژی رادیکال و پیشرو به میدان آورند، نه دستگاه‌های سرکوب و ارباب و نه افزایش پایگاه‌های پلیس و نیروی انتظامی و نه سازماندهی یک میلیون اوباش و اراذل دیگر در بسیج و سپاه پاسداران هیچ کدام نمی‌توانند از تداوم حاکمیت جهل و خرافه اسلامی سرمایه حفاظت نمایند.

دو هفته از اعتراضات توده‌های مردم در ایران می‌گذرد. از یک طرف این اعتراضات در اشکال گوناگون از تجمع در مقابل زندان اوین برای آزادی دستگیر شدگان، تا تظاهرات‌های پراکنده در شهرها، تا اعتصابات کارگری، همچنان ادامه دارد و از سوی دیگر رژیم نیز همچنان به اقدامات سرکوبگرانه خود ادامه می‌دهد. بر اساس آمارهای اعلام شده تا کنون ۲۵ نفر از جوانان کم سن و سال در اعتراضات خیابانی بر اثر تیراندازی مأموران مزدور رژیم جان باخته‌اند، ۳۷۰۰ نفر دستگیر شده و صدها تن نیز زخمی شده‌اند. بر اساس آخرین آمارها تا کنون ۷ نفر نیز در سیاه چال‌های رژیم تحت شکنجه دژخیمان جان باخته‌اند.

رفتارهای ضد انسانی رژیم، به وضوح نشان از هراس و نگرانی سران جمهوری اسلامی از سرنوشت نظامشان دارد. خامنه‌ای که از سیل خروشان اعتراضات توده‌های مردم در ابعاد سراسری غافلگیر شده و در سکوت فرو رفته بود، روز سه شنبه ۱۹ دیماه پس از دوازده روز، در رابطه با این اعتراضات به اظهار نظر پرداخت. او طبق معمول هر دیکتاتوری اعتراضات مردم علیه خود و حکومتش را به عوامل خارجی نسبت داد. در این سخنان خامنه‌ای به دو واقعیت نیز اعتراف نمود. یکی اینکه اوضاع اقتصادی نابسامان است و گفت "ریشه بسیاری از مفاسد در بیکاری است و در این رابطه مشکلاتی داریم که باید حل شود." دیگر اینکه اعتراف نمود که حتی اگر بتوانند اعتراضات را هم سرکوب کنند، دوباره از سر گرفته می‌شوند.

پیش بینی خامنه‌ای در رابطه با اینکه اعتراضات از سر گرفته خواهد شد، بسیار واقعی است. خامنه‌ای بهتر از هر کس دیگری می‌داند که این رژیم طی این سال‌ها، با این مردم چه کرده است و از این رو هر دم انتظار چنین خیزش‌هایی را می‌کشیده است. صرف بودجه کلان دهها میلیارد دلاری برای تقویت ارگانها سرکوب و برای گسترش ارگانهای فریب و اشاعه خرافات، ناشی از همین نگرانی است.

گزارش برگزاری پلنوم دوم کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ۱۷

روز شنبه ۲۵ آذرماه سال ۱۳۹۶ برابر با ۱۶ دسامبر ۲۰۱۷، پلنوم دوم کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ۱۷ با حضور اعضا کمیته مرکزی کومه له و با اعلام یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد و خاطره جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم برگزار گردید. در این پلنوم اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران نیز به عنوان ناظر شرکت داشتند. بخش اول مباحث این نشست به گزارش سیاسی کمیته رهبری کومه له به پلنوم که توسط دبیر اول کومه له ارائه داده شد، اختصاص یافت.

عناوین اصلی این گزارش عبارت بودند از:

بررسی مهمترین تحولات در اوضاع جهانی، اوضاع سیاسی ایران، اوضاع سیاسی در کردستان ایران، جایگاه ایران و انقلاب آینده آن در سیستم کنونی جهان سرمایه داری، وضعیت کنونی و دورنمای سیاسی عراق و کردستان عراق، پاره ای مسائل سیاسی دیگر منطقه و خطوط کلی سیاست و اولویتهای کومه له در قبال اوضاع کنونی.

محورهای اصلی بحث پیرامون اوضاع جهانی عبارت بودند از:

• تداوم بحران اقتصادی. اگر شاخص پایان دوره بحران اقتصادی اخیر، پیدایش نشانه های رونق در اقتصاد پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری جهان باشد، شواهد حاکی است چنین رونقی حاصل نشده است و بدین معنی بحران دیگر به پدیده همیشه حاضر و ساختاری در نظام سرمایه داری تبدیل شده است.

• رشد خارق العاده تکنولوژی، گسترش شگراف اتوماسیون، انفجار اطلاعات، تحولات جدید در زمینه کشاورزی و تولید مواد خوراکی، بالا رفتن سطح بارآوری کار، همه اینها از یک طرف امکان تولید انبوه جهت رفع نیازهای انسان امروز را در مقیاس جهانی فراهم کرده است و از طرف دیگر موجب بیکاری گسترده و نیز تداوم فقر و گرسنگی در نقاط مختلف جهان شده است. نظام سرمایه داری تحت فشار این تناقض سرانجام به دست توانای طبقه کارگر آگاه و سازمانیافته، دوران فروپاشی آن فرا خواهد رسید.

• تناقضات در عرصه اقتصاد، موجب سردرگمی، بی افقی سیاسی دولتها و نیز سردرگمی افکار عمومی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری شده است. این سردرگمی در آمریکا پدیده ای مانند ترامپ را به کرسی ریاست جمهوری می نشانند، که با سنتهای تاکنونی رهبری در آمریکا بیگانه است. در فرانسه فردی تازه به دوران رسیده، حزبی تاسیس می کند و در فاصله چند هفته بدون داشتن افق و سیاست متفاوت، همه احزاب با سابقه و سنتی را هم در انتخابات ریاست جمهوری و هم در پارلمان به سرعت پشت سر می گذارد. بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج می شود، بدون اینکه که قادر به پرداخت جریمه اقتصادی این جدائی باشد. هم اکنون آثار پشیمانی در چهره رای دهندگان به جدائی مشهود است. دولت آلمان که با ثبات ترین دولتهای اروپا از لحاظ سیاسی و اقتصادی محسوب می شد، بعد از گذشت قریب دو ماه از برگزاری انتخابات، هنوز قادر به تشکیل دولت جدید نشده است. دولت اسپانیا در برخورد به یک قضیه دموکراتیک مانند همه پرسی و حق تعیین سرنوشت ایالت کاتالونیا، همه قواعد دموکراتیکی را که سالها به پاسداری آنها افتخار می کرد، زیر پا می گذارد و از بی اعتبار شدن کل سیستم حکومتی خود باکی ندارد.



اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له

**جنبش انقلابی مردم کردستان، پیوند خود را با مردم
همسرنوشت در سراسر ایران محکم تر خواهد کرد!**

چهار روز از آغاز موج جدید اعتراضات و تظاهرات خیابانی در شهرهای مختلف ایران می گذرد. طی این روزها مردم به جان آمده از گرانی، بیکاری و بی افقی جوانان، فقر و محرومیت، فساد اداری و مالی، دیکتاتوری و سلب آزادیهای ابتدائی، نابرابری و ستم، تخریب محیط زیست نسل امروز و فردای این جامعه، به خیابانها ریختند و خواست ها و آرزوهای خود را در قالب شعارهای مختلف بیان کردند.

شهرهای کردستان از شمال تا جنوب، نیز در این روزها با عرصه تظاهرات گسترده پر شور مردم بودند و با بوسيله نیروهای رژیم در یک حکومت نظامی اعلام نشده به شدت امنیتی شدند. مردم شهرهای کرمانشاه، ایلام، سنندج و بانه تا هنگام صدور این اطلاعیه از سد اختناق و سرکوب رژیم گذشتند و بخش پرشور و نیرومندی از امواج خیزش انقلابی مردم سراسر ایران بودند.

صف مبارزه مردم مبارز کردستان از صف مردم هم سرنوشت در سراسر ایران جدا نیست. کردستان با کوله باری از تجربه متکی به نزدیک به چهار دهه مقاومت در برابر سلطه رژیم اسلامی، می تواند بخش پرشور و نیرومندی از این جنبش حق طلبانه سراسری باشد. در این روزهای تاریخی، مردم کردستان دست در دست مردم متحد در سراسر ایران پایه های دنیای انسانهای آزاد و برابر و مرفه فردا را خواهند ساخت. کومه له مردم کردستان را به تحکیم پیوند مبارزاتی خود با مردم مبارز در سراسر ایران فرا می خواند. وظیفه همه پیشروان و فعالینی که دل در گرو اهداف، استراتژی و سیاستهای کومه له دارند، این است که برای تحقق هرچه رزمنده تر این فراخوان، با تمام توان به میدان بیایند. این جنبش عملا به دلیل خواستها و مطالبات پیشرو و حق طلبانه آن، که پنجه در پنجه یکی از ارتجاعی ترین و استبدادی تری رژیم های این عصر در افکنده است، جنبشی متعلق به ما است. این جنبش می تواند نبرد کنان بر ضعفهای درونی خود فائق آید. باید با تمام توان در آن شرکت کرد و برای به پیروزی رساندن آن تلاش نمود. رژیم اسلامی در موقعیتی گرفتار آمده است که در صورت رودرویی با صف منسجم و درهم تنیده توده های مردم آزادیخواه و حق طلب، تاب و توان مقاومت را نخواهد داشت و در تداوم این جنبش به زانو در خواهد آمد.

زننده باد پیوند مبارزاتی مردم کردستان
با مردم هم سرنوشت در سراسر ایران
کمیته مرکزی کومه له
(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

یازدهم دی ماه ۱۳۹۶

۳۱ دسامبر ۲۰۱۷



مردم از این گونه اپوزیسیون نمائی های درون حکومتی، شرط پیشروی جنبش انقلابی این دوره است.

• پنجم، با توجه به فاکتورهای فوق، پلنوم بر این نظر بود که زمینه های اجتماعی و سیاسی برای وارد شدن جامعه ایران در یک دوره انقلابی مساعد است. ایران یکی از حلقه های ضعیف در مبارزه بر علیه سرمایه داری جهانی است. جایگاه ایران در چهارچوب اوضاع جهانی از حساسیت ویژه ای برخوردار است. جامعه ایران به دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ژئوپولیتیک و پیشینه تاریخی دگرگونی های یکصد سال اخیر، حلقه کلیدی در تحول اوضاع سیاسی در خاورمیانه است. به این اعتبار، تحول انقلابی در ایران، سرآغاز دگرگونی های چشمگیر در کل منطقه خواهد بود، همانطوریکه تسلط ارتجاع

اسلامی بر این جامعه برای چند دهه کل منطقه را تحت تاثیر قرار داد. اما بدون حزب کارگری انقلابی نیرومند و منسجم، شرایط انقلابی نمی تواند به خودی خود به انقلاب کارگری منجر شود. روشن بینی و استحکام نظری و سیاسی، انسجام سازمانی، نفوذ و مقبولیت اجتماعی و توانائی در جلب اعتماد عمومی، پیوند با رهبران و پیشروان جنبشهای مترقی، درجه ای از ارتباط با جنبش کارگری جهانی، اینها شاخص هائی هستند که نشان خواهند داد حزب از چه میزان آمادگی برای به نتیجه رساندن انقلاب کارگری برخوردار است. حفظ و تقویت ظرفیتهای کومه له و موقعیت امید بخش آن به عنوان یک سازمان انقلابی و سوسیالیست در نزد مردم کردستان که حاصل جلب اعتماد مردم تحت ستم و استثمار شده و چند دهه تجربه اندوزی، حاصل عملکرد درست در نقطه عطف های تاریخی است، بسیار حیاتی است.

پلنوم هم چنین به طور ویژه ای به بررسی اوضاع در کردستان ایران پرداخت. در این زمینه حرکت های ماههای اخیر از جمله اعتراض مردم شهرها به کشتار کولبران، پشتیبانی از رفراندوم استقلال کردستان عراق، نشان دادن همبستگی کم نظیر در جریان زمین لرزه استان کرمانشاه، پشتیبانی از کارگران زندانی، عکس العمل های انسان دوستانه در زمینه مبارزه با صدور احکام اعدام، را مورد بررسی قرار داد و نقاط قوت و ضعف عملکرد کومه له را در این زمینه ها نشان داد.

با توجه به شرایط جدید پلنوم بر خطوط زیر به عنوان سیاست و خط مشی ما در دوره آتی تاکید نمود:

اسلامی ایران در زمره ۵ حکومت از فاسد ترین رژیم های جهان قرار دارد. ارقام سوء استفاده های مالی نجومی هستند. تحریم های اقتصادی که قلدر منشانه از طرف امپریالیست ها وضع شده اند، به عنوان یکی از عوامل فلاکت اقتصادی موجود. نتیجه دخالت های سیاسی و نظامی رژیم در کانون های بحرانی خاورمیانه است. دخالت هایی که دود آن در دو جهت به چشم اکثریت مردم ایران می رود، اول، از این جهت که تحریم ها گرانی را به بار می آورد و دوم از این جهت که پولهای کلان از ثروتهای عمومی صرف این ماجراجوئی ها می شود. توافقنامه برجام هم نه توانست گشایش اقتصادی چشمگیری برای رژیم به بار بیاورد و نه به بهبودی در شرایط زندگی اکثریت جامعه منجر گردید.

• سوم، توازن قوای بین مردم معترض و رژیم، به نفع جبهه مردم تغییر کرده است. این واقعیت را میتوان در گسترش اعتراضات و مبارزات در مراکز مهم کارگری، در برپاشدن تظاهرات گسترده خیابانی در شهرهای مختلف بر علیه گرانی و بر علیه کل رژیم، در رادیکال شدن شعارهای جنبش دانشجویی، در رشد جنبش اعتراضی و توده ای در کردستان، و نیز در عکس العمل رژیم مشاهده کرد. وقتی فرمانده نیروی انتظامی تهران و حومه رسماً اعلام می کند که از این پس با حجاب زنان کاری ندارد، به معنای پیروزی مردم در مقاومتی است که حدود چهار دهه است، سرسختانه ادامه دارد. وقتی فرمانده سپاه پاسداران اعلام می کند که به نیروهای تحت کنترل دولت برای تامین امنیت، اعتماد ندارد، در واقع بازتاب نگرانی از پدید آمدن شرایطی است که امنیت کل رژیم را به خطر بیندازد. اما سرنوشت مبارزات جاری در گروادامه کاری آن، روشن بودن اهداف کوتاه مدت و دراز مدت آن، درجه سازمانیافتگی آن و شکل گیری رهبری آن است. می توان امیدوار بود که جنبش حق طلبانه و اعتراضی این دوره در تداوم خود بر ضعف های درونیش در زمینه افق و رهبری سیاسی فائق آید.

• چهارم، در زمینه اختلافات داخلی، حساسیت اوضاع و نگرانی از خیزش مردم، جناح های اصلی رژیم را ناچار کرده است تا حدودی بازتاب های علنی این اختلافات را کنترل کنند و همه توجه شان معطوف به مهار کردن ناراضیاتی ها باشد. در این میان به عنصر رسوائی چون احمدی نژاد میدان داده اند که فعلاً این سوپاپ اطمینان را که بدون خطر تر است برای فریب مردم باز نگهدارد. فاصله گرفتن اعتراضات

• در خاورمیانه اما بحران سیاسی به شیوه دیگری خود را نشان می دهد. طرح خاورمیانه بزرگ که از نظر طراحان آمریکائی آن قرار بود به گشایش اقتصادی، گسترش بازار آزاد و تحول سیاسی آرام در خاورمیانه بیانجامد و جلو پیدایش شرایط انقلابی، در این منطقه را بگیرد، پس از خیزش های مردمی علیه دیکتاتوری به خونین ترین و ویرانگرترین جنگ های نیابتی تبدیل شد که هنوز خاورمیانه در آتش آن می سوزد.

در زمینه اوضاع سیاسی ایران گزارش سیاسی کمیته رهبری و مباحث پلنوم، بر چند تز محوری متکی بود:

• اول، شرایط معیشت و زندگی کارگران و اکثریت مردم روز به روز دشوار تر میشود. بنا بر آمار بانک مرکزی ایران، از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۵ سطح متوسط زندگی مردم حدود ۱۵ درصد کاهش داشته است. بنا به شاخص های بانک جهانی، ایران از لحاظ سطح زندگی از رتبه ۸۸ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۷ سقوط کرده است. اما از آنجا که این ارقام بصورت متوسط حساب شده اند، می توان دریافت که زندگی برای طبقه کارگر و مردم تهیدست جامعه چه اندازه دشوارتر و شکاف بین فقر و ثروت تا چه حد عمیق تر شده است.

• دوم، این وضعیت گذشته از ساختار کلی سرمایه دارانه رژیم، نتیجه سه عامل: عملکرد سیاست های اقتصادی نئولیبرالی، فساد گسترده مالی و اداری، دخالت های رژیم در کانون های بحران منطقه ای و تحریم های اقتصادی بوده است. در زمینه سیاست های نئولیبرالی آنچه که انجام گرفته است، عمدتاً عبارت بوده است از: باز کردن دست شرکتهای بزرگ و رها کردن آنها از هرگونه محدودیت قانونی، کاهش دستمزد کارگران از طریق تعدیل نیروی کار و بیکار سازیهای گسترده، ممانعت از تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری و بکارگیری تشکلهای زرد به همین منظور، تغییر قانون کار به نفع سرمایه داران داخلی و خارجی به منظور تشویق آنها به سرمایه گذاری، کاهش هزینه های عمومی برای خدمات اجتماعی مانند آموزش و بهداشت، حقوق بازنشستگی و بیمه بیکاری، حذف سوبسید ها و کاهش یارانه ها، فروش شرکت های دولتی، کالاها و خدمات به سرمایه گذاران خصوصی و بطور عمده به سپاه پاسداران. در زمینه فساد مالی و اداری مطابق گزارش سازمان شفافیت بین المللی جمهوری

اول، گسترش فعالیت در همه زمینه ها در درون جامعه کردستان. در این زمینه تاکید شد که اگرچه سیاست سازماندهی حزبی ما در محیط کار و زیست بر اساس اکسیونهای موقت و زود گذر نیست، اما می دانیم که با شرکت در اعتراضات جاری روزانه، پیشروان آموزش می بینند، تجربه کسب می کنند و نفوذ خود و در نتیجه کومه له را در میان توده های مردم گسترش می دهند. از اینرو بازم تاکید شد که با درک درست از سیاستهای ما در زمینه کار علنی و کار مخفی، رفقای ما در رهبری و هدایت این حرکت ها باید فعال باشند. در چنین روندی تشکیلات حزبی تقویت و مستحکم گردد. در زمینه آکسیونها، تظاهرات خیابانی، اعتصابات و دیگر حرکتها اعتراضی در کردستان هم چنین تاکید شد که علاوه بر اعتراضات کارگری، مسائل اجتماعی و سیاسی زیادی وجود دارند که ظرفیت به میدان آوردن توده های وسیعی را دارند. رویدادهای اخیر در کردستان عراق، دفاع از جنبش روزاوا، اعتراض به کشتار کولبران، اعتراض بر علیه گرانی، مخالفت با اجرای احکام اعدام، دفاع از زندانیان سیاسی، برگزاری مناسبتهای محلی و جهانی، از جمله مواردی هستند که در ماههای اخیر مضمون حرکتها و وسیعی در کردستان بوده اند. کومه له نباید در هیچ عرصه ای در اینگونه موارد، خلائی باقی بگذارد. در این زمینه رهنمود ها و جهت گیریهای معینی در دستور کار کمیته مرکزی کومه له و کمیته سازمانده فعالیتها داخل کردستان، قرار داده شد. از جمله بر پیگیری سیاست ما در همکاری و اتحاد عمل مبارزاتی، با نیروها و افراد مبارز مستقل، در زمینه خواستها و مطالبات پیشرو اجتماعی، در مبارزه مشترک با جمهوری اسلامی و برای بالا بردن سطح سازماندهی توده ای و ثمر بخش بودن اعتراضات تاکید شد. رفقای ما بایستی نمونه تلاش صادقانه برای ایجاد وحدت مبارزاتی و همکاری در فصل مشترکها با چنین نیروها و چهره های سرشناس محلی باشند. در این راستا در انتقاد کردن و روشنگری هم بایستی از بکار بردن زبان زبر و تفرقه افکنانه که امر همکاری را دشوار می سازد، خودداری کنند. اهمیت اعتراضات جاری در ادامه کاری آن است. از اینرو پیشروان جنبش انقلابی مردم کردستان بایستی سیاستها و روشهایی را تعقیب کنند که تداوم حرکتها و اعتراضی را تامین کند و مردم مبارز را تا کسب نتیجه، متحدانه در میدان نگاه دارد.

دوم، با توجه به شرایط عمومی منطقه، حفظ چهره کومه له به عنوان یک سازمان سیاسی

انقلابی کمونیست با بازوی مسلح حیاتی است. رویدادهای ماههای اخیر در کردستان عراق نشان داده اند که برای تضمین ادامه کاری در این زمینه بایستی برنامه عمل مرحله بندی شده و روشنی در پیش گرفت که کمیته رهبری کومه له بر اساس آن عمل کند. همکاری با احزاب سیاسی دارای نیروی مسلح در کردستان در چهارچوب قطعنامه مصوب کنگره ۱۷ کومه له، در خنثی کردن شرایط احتمالی نامطلوب می تواند یکی از نقاط این برنامه باشد.

سیاست دولت عراق در مورد رفتارندوم استقلال کردستان و عملکرد آن پس از حمله به کردستان و اشغال کرکوک و مناطق مورد اختلاف، نمونه بارز اعمال ستم ملی است. دولت مرکزی عراق در این زمینه پا در جای پای رژیم های پیشین در عراق و از جمله رژیم صدام می گذارد. دولت عراق با ابزارهای قانونی که سیستم فدرالی در اختیار وی می گذارد، پس از اشغال کرکوک به تحقیر مردم و به سلب حقوق اولیه آنها می پردازد. در سیستم فدرالی بنا به تعریف، حکومت محلی کردستان نمی تواند دارای نیروی مسلح در حد یک ارتش حرفه ای باشد. نیروی مسلح در کردستان تنها در حد نیروهای انتظامی داخلی خواهند بود. نیروهای ارتش مرکزی کنترل مرزها را بر عهده خواهند داشت. ارتش مرکزی در کردستان مانند هر جای دیگر در عراق سربازگیری خواهد کرد. حکومت محلی کردستان در عرصه اقتصادی که جنبه کلان و سراسری دارند، از جمله سیاستهای نفتی، نمی تواند مستقلا عمل کند. روابط خارجی در انحصار دولت مرکزی است و حکومت محلی کردستان نمی تواند بدون اجازه دولت مرکزی در چنین مناسباتی با دولتها وارد شود. این فاکتورها و بسیاری از موارد دیگر، همگی نشان می دهند، که سیستم فدرالی به خودی خود و مستقل از اینکه چه دولتی در مرکز بر سر کار است، نمی تواند مسئله ملی را در کردستان حل کند، بلکه آنرا به عنوان استخوان لای زخم باقی نگه میدارد. این حقیقت را کومه له همواره در مورد همه بخشهای کردستان مورد تاکید قرار داده است. آنچه که در ۲۵ سال اخیر در کردستان عراق عمل می کرد، نه قوانین مربوط به نظام فدرالی، بلکه توازن قوای بین یک دولت مرکزی ضعیف و حکومت محلی کردستان بود. تنظیم مناسبات این دو طرف بر اساس توافقی ناشی از این توازن قوا صورت می گرفت.

حمله دولت عراق به کردستان و اشغال کرکوک و مناطق دیگر رویدادی اکتا به

سوم، دایره همکاریها و فعالیتهای کردستانی کومه له در سطح منطقه و در خارج کشور، بر اساس نقشه عمل و ارزیابی کومه له، مندرج در گزارش سیاسی مصوب کنگره ۱۷، باید گسترش یابند. کومه له باید با تحکیم موقعیت خود در رهبری جنبش رفع ستم ملی در کردستان ایران، به عنوان یک نیروی مسئول در روند مبارزات و در تخفیف رنجها و آلام مردم در بخشهای دیگر کردستان نیز تاثیر گذار باشد. نمایندگی کومه له در خارج کشور در این زمینه باید موثر تر و فعالانه تر عمل کند. کمیته مرکزی کومه له در تقسیم کار و وظایف درونی خود در این زمینه باید این وظیفه را به عنوان یکی از محورهای فعالیت خود بداند و در این زمینه کارا تر عمل کند.

در بحث پیرامون ارزیابی از اوضاع سیاسی منطقه، پلنوم اساسا بر اوضاع در عراق و در کردستان عراق متمرکز شد. نکات اصلی بحث های انجام شده در این زمینه را میتوان چنین خلاصه کرد:

علیرغم پیروزیهای میدانی بدست آمده در جنگ با داعش، این جریان اگر چه سرزمین و شهرهای تحت کنترل خود را از دست داده است، اما اساسا به دلیل انحصار طلبی احزاب شیعه حاکم در عراق، عملکرد تبعیض آمیز و سیاستهای فرقه گرایانه دولت عراق، هنوز از زمینه و امکان حضور در عراق تحت این نام یا هر نام دیگری برخوردار است. حذف کامل این جریان ارتجاعی از صحنه سیاسی و اجتماعی عراق در گرو تغییرات ریشه ای در ساختار حکومت مرکزی و ایجاد یک دولت تماما غیر مذهبی در عراق است.

حشد شعبی به عنوان یک نیروی ارتجاعی، سرکوبگر و متعصب، اگر چه با فتوای سیستانی و به کمک ظرفیتهای سازماندهی سپاه پاسداران بنیانگذاری شد، اما بوسیله دولت آمریکا مسلح شد و با پشتیبانی هوایی و لجستیکی آمریکا

عراق را برای برقراری سلطه نامشروع خود بر هر بخشی از کردستان عراق، و سیاست اعمال فشارهای اقتصادی و روانی بر مردم کردستان را محکوم می‌کنیم. به عنوان یک سیاست کلی ما مردم کردستان ایران را از هر طریق ممکن، به پشتیبانی از خواسته‌های حق طلبانه مردم کردستان عراق دعوت می‌کنیم و خود نیز به عنوان یک تشکیلات معین همواره بخشی از این پشتیبانی خواهیم بود.

پلنوم در بحث پیرامون گزارشات تشکیلاتی، گزارش کمیته رهبری کومه‌له در رابطه با شرایط کار ارگانهای تشکیلاتی مستقر در کردستان عراق بعد از یورش دولت بغداد به کرکوک، راه کار ما در صورت تسلط بیشتر رژیم بغداد بر مناطق کردستان و ضرورت حفظ چهره مسلح کومه‌له در شرایط متحول ایران و منطقه، فعالیت کمیته تشکیلات داخل نمایندگی کومه‌له در خارج کشور را مورد بررسی قرار داد و به راهکارها جهت بهبود این فعالیت‌ها پرداخت. نشست کمیته مرکزی در مبحث مربوط به تقسیم کار و آرایش درونی کمیته مرکزی، کمیته‌ها و ارگان‌های مختلف تشکیلاتی را در جای خود ابقا نمود و به کار خود پایان داد.

کمیته رهبری کومه‌له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

دیماه ۱۳۹۶ دسامبر ۲۰۱۷



مرکزی عراق که امروز لاف پیروزی بر مردم کردستان و بر حکومت محلی می‌زند، خود با مشکلات عدیده‌ای روبرو است که هر کدام از آنها به تنهایی برای به زانو در آوردن یک رژیم کافی هستند. کشوری با زیرساختهای ویران شده که در نیمی از آن دیواری سالم بر سر پا نمانده است، کشوری که فساد مالی آنرا در ریف فاسدترین رژیم‌های جهان قرار داده است، کشوری که در آن رژیم حاکم، خدمات عمومی رفاهی که سهل است از تامین کامل نیازمندیهای اولیه نظیر آب پاک و برق نیز عاجز است، کشوری که به میدان رقابت دولتهای منطقه تبدیل شده است، با توجه به همه این عوامل، قدرت نمائی نمایشی رژیم حاکم در این کشور بر علیه مردم کردستان دیرپا نخواهد بود.

• ارزیابی ما از ماهیت نیروهای حاکم در کردستان عراق و نقد ما از آنها در برخورد به بحران اخیر، به هیچ وجه ما را از صف مردم آزادیخواه و حق طلب در کردستان عراق جدا نمی‌کند. ما از مبارزات حق طلبانه مردم کردستان عراق برای بهبود شرایط زندگیشان پشتیبانی می‌کنیم و هر نوع برخورد خشونت آمیز با اعتراضات مسالمت آمیز این مردم را محکوم می‌کنیم. ما بر لزوم تداوم این جنبش اعتراضی و حق طلبانه که شرط ضروری برای دست یابی به رهبری و به آترناتو پیرو اجتماعی است تاکید می‌کنیم. در همان حال تلاشهای دولت

ساکن نبود. از مدتی پیش روشن بود که با فروکش کردن جنگ با داعش، دولت عراق به فکر باز پس گیری همه مناطقی که در نتیجه حمله داعش در سال ۲۰۱۴ از آنها عقب نشینی کرده بود و از جمله برقراری کنترل مجدد خود بر میدانهای نفتی خواهد افتاد. انجام رفراندوم برای دولت عراق فرصتی را فراهم آورد که این کار را با سهولت بیشتری و با جلب همکاری دولتهای ایران و ترکیه و تأیید دولت آمریکا و در سکوت دولتهای اروپائی انجام دهد. در حالیکه رفراندوم برای دولت مرکزی یک فرصت طلایی بود، تا نقشه خود را پیش از موقع هم به اجرا بگذارد، برای حکومت محلی کردستان به هیچ وجه به معنای آن نبود که شور و شوق روزهای رفراندوم را به انرژی برای مقاومت تبدیل کند.

• بقای ستم ملی، منشاء جنبش ملی و مبارزه بر علیه ستم ملی بوده و خواهد بود. از اینرو دولت مرکزی عراق که امروز در موقعیت حکومتهای قبلی در ارتباط با مردم کردستان قرار گرفته است، دیر یا زود در برابر مبارزه مردم نیز قرار خواهد گرفت. اما امروز به دلیل شکاف عمیقی که بین حکومت محلی کردستان و توده‌های مردم بوجود آمده است، به دلیل شرایط دشواری که سیاستهای حکومت محلی برای زندگی و معیشت مردم بوجود آورده است، شورش و اعتراض حق طلبانه مردم در گام نخست رو به حکومت محلی خواهد بود. بعلاوه دولت

بنایه جمعی از کولبران اورامانات، پیرانشهر، سردشت و بانه در حمایت از اعتراضات سراسری مردم زحمتکش

از اوایل سال جاری تا به امروز یعنی ۱۷ دیماه بیش از ۲۰۰ کولبر و کاسبکار در کردستان کشته و زخمی گشت‌اند. نزدیک به ۴۰ نفر از آنها با شلیک مستقیم نیروهای سپاه، اطلاعات و هنگ مرزی جانباخته‌اند. بنابراین ما کولبران به خوبی آگاهیم که اعتراضات و قیام اخیر شما ریشه در نیازهای واقعی و برحق شما دارد. واقعیت دیگر اینست که حاکمیت هرگز راهحل ریشه‌ای جزء سرکوب برای آن نمی‌یابد. خانواده عزیزان جانباخته و آسیب دیدگان تظاهرات‌های اخیر در ایران! ما در کنار شما هستیم. و در کنار شما خواهیم بود. اگر امروز با برگزاری تظاهرات و اجتماعات به پشتیبانی از شما نپرداخته‌ایم. به معنای آن نیست که به صفتان نخواهیم پیوست. فعلا عمده‌ترین عامل غیبت ما گرسنگی بچه‌ها و افراد خانواده‌مان بوده. اگر هر یک از ما یک روز زندانی شود، باید همسر و بچه‌ها به گدایی رو بیاورند. ما با شما هستیم و با شما می‌مانیم تا روزی که کل این نظام ستمگر و دشمن "فقرا" را از صحنه جامعه ایران پاک می‌کنیم. آری ما ضمن محکوم کردن رفتار غیر انسانی حاکمیت با شما هموطنان شریف، قاطعانه از اعتراضات سراسری و مطالبات برحق شما حمایت می‌کنیم و اطمینان داریم که آتش زیر خاکستر سرکوب هرگز خاموش نخواهد شد و ما به صف شما خواهیم پیوست.

جمعی از کولبران کردستان ایران / ۱۷ دی ماه ۱۳۹۶



مردم بپا خاسته ایران! هموطنان! در این روزها کولبران و مردم آزادیخواه بخش‌هایی از کردستان ایران بارها به خاطر نییستن به اعتراضات سراسری مردم شریف ایران مورد سرزنش و انتقاد قرار گرفته‌اند. ما کولبران کردستان بخاطر طرح خواسته‌ها و مطالباتمان تقریباً همه اشکال خطر و مرگ را تجربه کرده‌ایم. ما با شناختی که از سیاست بیرحمانه و سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در برخورد با خواسته‌های انسانی، مطالبات و حقوق اولیه اجتماعی مردم کردستان داریم، می‌دانیم که هیچکدام از مطالبات ما جواب مثبت نخواهد گرفت و هر گونه اعتراض بر حق ما با خشن‌ترین شیوه‌های مجازات از جمله، زندان و گلوله جواب خواهد گرفت. با این حال ما زحمتکشان کردستان هرگز تسلیم نشده‌ایم و هرگز پاپس نکشیده‌ایم و نخواهیم کشید. حاکمیت نیز نمی‌خواهد به نیازها و خواسته‌های ما توجه کند و هرگز مشکلی از ما را بدون مبارزه و اعتراض ما حل نکرده است. مسئولین غارتگر این مملکت نمی‌خواهند که زبانی جز زبان زور و سرکوب بکارگیرند.

شما در جریان هستید که چندین میلیون نفر از مردم کردستان مستقیم و غیرمستقیم از راه کولبری و کالاهایی که کولبران وارد کشور می‌کنند امرار معاش می‌کنند. اما ما خود محروم از بیمه بیکاری، امنیت شغلی و همیشه جانمان در خطر است. بارها به خاطر اینکه فریاد زده‌ایم که نان و کار و امنیت می‌خواهیم، مجازات شدیم.

خیزش سراسری در ایران و ضرورت پشتیبانی اترناسیونالیستی

رفقا، فعالین جنبش کارگری، اتحادیه‌های مستقل، فعالین جنبش سوسیالیستی رفقای شرکت کننده در نهمین کنفرانس باز جهانی دسامبر ۲۰۱۷ در الجزایر (The ۹th. OWC)، رفقای آی ال سی (ILC)!

همانگونه که با خبر هستید، روز ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷ آتشفشان خشم و اعتراض سراسری مردم زیر ستم سرمایه داری و حکومت ایدئولوژیک سرمایه در ایران فوران گرفت.

انفجار این خیزش، اراده گرایانه (ولونتاریستی) و خودبخودی نبود. این خشم متراکم و اعتراض‌های دستکم ۴۰ سال حکومت سرمایه داران و دلالتان منطقه ای سرمایه جهانی در ایران است. از همین روی، خیزش اعتراضی در ایران یک شبه سراسری شد. شعارها و خواست‌های کم و بیش مشترک در همه شهرها (در آخرین خبر بیش از ۷۰ شهر بزرگ و کوچک و با شرکت تمامی ملیت‌ها ۵ گانه در ایران) به شدت سیاسی و شبیه هستند.

علیه بیکاری، علیه فساد حکومتی و جنایات سیستماتیک، علیه تروریسم دولتی، علیه دخالتگری‌های نظامی و توسعه طلبانه و اشغالگرانه رژیم ایران در سوریه، عراق، کردستان، یمن و کل خاورمیانه و برخی از کشورهای آفریقایی، علیه نقض حقوق انسانی زنان به ویژه و تمامی حکومت شوندگان، شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد! کارگر زندانی آزاد باید گردد! سرنگون باد حاکمیت اشغالگران در ایران! جان فدا می کنیم در ره آزادی! مرگ بر دیکتاتور! توپ تانک مسلسل دیگر اثر ندارد!

شعارهای مرگ بر خامنه ای و دولت روحانی و رفرمیست‌های دروغین حکومتی برای نخستین بار یارتاب دهنده ی اراده ی جامعه ای است که برای سرنگونی حاکمیت به پا خاسته و آماده فداکاری است. این جنبش، علیه تحقیر و خوار شمردن انسان و دفاع از ارزش‌های انسانی و دستیابی به برابری و رهایی است.

شعار نان، مسکن آزادی را به همراه شعار سرنگونی رژیم، بیانگر ماهیت انقلابی و عنصر طبقاتی این خیزش است. این خیزش گرسنگان برای رهایی است. خیزش تهری دستان شهر و روستا و زنان و جوانانی است که جز جان و زنجیر دستهای خویش چیزی برای از دست دادن در دست ندارند. از همین روی، نقش پیشاهنگی زنان و جوانان در این خیزش اعتراضی و سراسری درخشان است.

حمله به ارگانها و پایگاه‌های نظامی، سیاسی و پایگاه‌های ایدئولوژیک و به آتش کشیدن خودروهای نظامی و پوستره‌های رهبران حکومتی از قاسم سلیمانی جنایتکار گرفته تا خامنه‌ای و روحانی و حمله به فرماندارها، شهرداریها، و در چند مورد، آزاد سازی شهر و ودر دست گرفتن و کنترل مناطقی مانند ایزه ... همه و همه بیانگر اراده ی انقلابی توده‌های به پا خاسته می باشند. اینان طبقه کارگر ۴۰ میلیونی با ۸ میلیون کارگر صنعتی و ۲۴ میلیون حلی نشین و ۵۰ میلیون نفر زیر ۳۰ سالی هستند که نزدیک به ۵۰ درصد نیروی آماده ی کار بیکاران را تشکیل میدهند. لشکر بیکاران، کارگران، آموزگاران، بازنشسته گان و کودکان کار و خیابان، زنان در خیابانهای ایران درخیزش و اعتراض است، با دست‌های خالی در برابر نیروهای تاندان مسلح رژیم تا پای جان و با شعار می جنگیم، میمیریم، ذلت نمی پذیریم!

این رژیم از پشتیبانی مستقیم سیاسی و نظامی حکومت روسیه برخوردار است و نیز از حکمرانان انگلستان و دیگر دولت‌های غربی

سرمایه جهانی به ویژه رسانه‌هایی مانند بی بی سی فارسی و ... برخوردار است. توده‌های مردم غیر مسلح، در گیر مقاومت و بستن سنگرهای خیابانی هستند. اکنون جناح‌های رقیب در ایران دارای اراده مشترک برای سرکوب و مهار بحران سیاسی و خیزش سراسری در حال روان ساختن جوی خون هستند. تا کنون بیش از ۲۰ نفر از مردم به پاخاسته با گلوله‌های سپاه سرمایه جان باخته‌اند. صدها نفر دستگیر شده و به شکنجه گاه‌ها سپرده شده‌اند، از شمار زخمیان به ضرب گلوله سپاه مذهبی سرمایه در سراسر ایران گزارش دقیقی در دست نیست.

دولت آمریکا به رهبری ترامپ و دیگر کارگزاران امپریالیسم، با شعار ارتجاعی پشتیبانی از خیزش سراسری، در تلاش به انحراف کشانیدن و لکه دار کردن و سوء استفاده از این خیزش قهرمانانه ه این خیزش را با نام منفور خویش آلوده می کنند. سلطنت طلبان و دیگر نیروهای ارتجاعی اپوزیسیون بورژوازی تلاش دارند تا با موج سواری این جنبش را به انحراف بکشانند. استخوان بندی و ماهیت این جنبش، نیرویی طبقاتی است از کارگران و تهری دستان شهر و روستا. این نیروهای میلیونی، به پاخاسته‌اند تا رژیم را سرنگون کنند. با آگاهی از آنچه نمی خواهند و به هدف سرنگونی آن جان خویش را هزینه می کنند، اما هنوز به مانیفست چه می خواهند مسلح نشده‌اند. ماهیت این جنبش، سیاسی است اما هنوز مهر طبقاتی کارگری در برنامه ندارد. این جنبش از رسانه و رهبری و پیشاهنگ حزبی طبقه کارگر سازمان یافته و آگاه هنوز در پیوند کامل و سراسری سامان نیافته است.

مطلق ترس رژیم و مطلق قدرتمندی حکومتی نیز شکسته شده است و خیزش سراسری شکوهمند، در فرایند شرایط اعتلایی است. تداوم قیام مردمی و پیروزی آن به همستگی و پشتیبانی بین المللی نیاز دارد. ما به دخالت دولت‌ها و نهادهای بورژوازی نه میگوییم. ما قادر به سرنگونی انقلابی حکومت سرمایه در ایران هستیم و هر نوع دخالتگری دولت‌ها را محکوم و مردود می شماریم.

طبقه کارگران ایران و تهری دستان شهر و روستا به همراهی و پشتیبانی شما رفقای خود، آی ال سی، و تمامی نیروهای شرکت کننده در نهمین کنفرانس الجزایر (۸ تا ۱۰ دسامبر)، فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی بین المللی نیاز دارد.

رفقا با انتشار گزارش‌های خیزش سراسری ایران، با بسیج همبستگی طبقاتی با کارگران و توده‌های به پا خاسته، با ارسال پیام همبستگی و افشای جنایات رژیم سرمایه داری در ایران، با جلب افکار عمومی و فشار به حکومت ایران، این جنبش را یاری رسان باشید.

پیروز باد همبستگی اترناسیونالیستی طبقه کارگر!
پیروز باد جنبش اعتراضی ستمدیدگان و استثمار شوندگان!
پیروز باد انقلاب سوسیالیستی!

از دفتر روابط بین المللی حزب کمونیست ایران

دوم ژانویه ۲۱۸

آدرس ایمیل:

international@cpi.org

درخواست فوری آزادی رضا شهابی و دیگر کارگران و فعالین جنبش کارگری زندانی در ایران

نمایندگان میلیون ها کارگر از اتحادیه ها و سازمان های مستقل کارگری در کنفرانس جهانی الجزایر، با امضا فراخوانی درهمبستگی طبقاتی و مبارزات کارگران ایران، بیانیه زیر را امضا کردند و آزار و به زندان کشاندن کارگران و فعالین جنبش کارگری را محکوم شمرده و خواهان آزادی فوری فعالین کارگری همانند رضا شهابی که بیش از ۵۰ روز اعتصاب غذا را پشت سر گذاشتند.

دبیر کل حزب کار الجزایر، رفیق لوئیزا حنون به همراه تنی چند از رهبران حزب و هماهنگ کننده این رخداد جهانی، با دریافت پوسترهایی از جمله پوستر دستبند زده رضا شهابی همراه با اعلام پشتیبانی و پی گیری موضوع، همبستگی خویش و حزب کار الجزایر را از مبارزات کارگران ایران اعلام کرد.

نام برخی از نمایندگان اتحادیه ها و کشورهای مربوطه، به صورت زیر اعلام می شوند:

واسیلی چیتی پوره آ دبیرکل فدراسیون اتحادیه هرمنس از رومانی

موگرال پوپسکو، دبیر کل همبستگی دانشگاهی و از رهبران جنبش کارگری رومانی

آدیما پامدی، از فعالین اتحادیه کارگری آ ۱ ام از رومانی

نادیه ساینی و سائو رو سنه، از کشور سنگال از اتحادیه های کارگری WATS, SAEMSS

بلاس اورتگا از اسپانیا، از فدراسیون اتحادیه کارگر FESP-UGT

آنجل پاسره از اسپانیا کارگر UEF

میائو گارسیا از اسپانیا از رهبران کارگر FESP-UGT

خوزه میگوئیل از اسپانیا از رهبران یو جی تی

گاپیوس گارسیا از رنیون Reniun از سی سی او جی

نجی فوسوکنگ از کشور کامرون از رهبران کنفدراسیون اتحادیه های کارگری

توم رونالد از آلمان

گوت هاند کروپ، از آلمان Verdi

کارلا بالوله از آلمان Verdi

اِبهارد هِنز از آلمان از رهبران اس پی دی گرایش مستقل و رادیکال

شارلوت روتر از آلمان

آندره فرنیتز، از آلمان

کوپن کزدین از فرانسه و اتحادیه گران مستقل و فعال جنبش سوسیالیستی

مارکوس کارل استد از سوئد، آموزگار از فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی و سردبیر

روزنامه انترناسیونال کارگری

ماریا لوییز پاتریسیو از پرتغال، اتحادیه آموزگاران

کارملیندا پیرا از پرتغال، از رهبران حزب کار POUS، و نماینده پیشین پالمان

خوزه کانهاس دبیرکل اتحادیه صنفی آموزگاران در پرتغال

خوزه وازکونسولوز نماینده بلوک چپ در مجلس پرتغال

ادیت کاروالهو، پرتغال، نماینده فعالین کارگری ناحیه لی اِرا

اولگ بولدو، از روسیه، حزب کمونیست انقلابی RWP

چابااو ثریا از کشور الجزایر، نماینده حزب کار و اتحادیه کارگری

الی دوماتو از کشور گوادالوپ UGTG

ایمان ابوصلاح به نمایندگی از جبهه آزادیبخش فلسطین PLUF

مارته روبرت از کشور گوادالوپ UGTG

و شمار دیگری از نمایندگان نهادها و سازمانهای کارگری...

دفتر روابط بین المللی حزب کمونیست ایران

۱۱ دسامبر ۲۰۱۷

آنها هزارانند
که قد علم کرده اند
و دسته دسته
پر شکوه و با وقار
از هر سو می آیند
از میان دخمه ها
محلات فقیر نشین
کلاس های درس
کارخانه ها

از خانه و دکان و بازار و دانشگاه و مدرسه
و می خواهند
پایان فقر و نابرابری و خواری و ذلت را

بشارت دهند

و از داغ محرومیت و ظلمتی چندین ساله

چه قدرتمند!

چه خشمگین!

چه خروشان!

چه عصیانگر!

چه سازش ناپذیر!

و چه ویرانگر می آیند.

گوش کنید!

آیا در طنین قدم های شان زلزله نیست

که دنیای زورمندان را به زیر می کشد؟

آیا در ندای خشم شان

طوفان نیست

که زمین را از شر تبهکاران پاک می کند؟

و آیا در آرزوهای شیرین شان

شعله های آتشفشان نیست که دنیای کثیف ظالمان

را می سوزاند؟

.....

آنها آمده اند

تا به دشمنان بگویند:

«بهشت برین تان از آن خودتان

ما می خواهیم

بر روی همین زمین

دنیای آرزوهای خود را بنا کنیم

و برای همین

آمده ایم که پایان عمر شما را اعلام کنیم.»

خجسته باد طنین فریادهای تان

که زیباتر از دلنوازترین ملودی های دنیاست

رساتر باد خروش آرزوهای تان

که خوش تر از تمام آوازه های دنیاست

پایدار باد حضورتان در خیابان

که زیباترین منظره ی دنیاست

عزم تان جزم و

رزم تان پایدار

و مبارک باد پیروزی تان

حتی اگر امروز نباشد!

ناهید وفائی

اول ژانویه ۲۰۱۸



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد تظاهرات مردم در شهرهای خراسان علیه گرانی

تنه‌ازندگی و معیشت‌طبقه کارگر، بلکه بخش‌های وسیع‌تری از جامعه را در تنگنا قرار داده است. سران رژیم سرمایه اسلامی می‌دانستند که گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران در مراکز بزرگ صنعتی می‌تواند مقدمه و پیام آور گسترش اعتراضات توده‌ای، ابراز وجود دوباره جنبش دانشجویی و به حرکت در آمدن پتانسیل جنبش انقلابی کردستان باشد. سران رژیم ابلهانه فکر می‌کردند که با چنگ و دندان نشان دادن نیروهای سرکوبگر، با خونین کردن سر و صورت کارگر معترض آذراب اراک، با بگیر و ببند فعالین کارگری و محکوم کردن آنان به مرگ تدریجی در پشت میله‌های زندان و با یورش سبانه به صف حامیان رضا شهابی می‌توانند مردم ایران را مرعوب کنند. اما برخلاف تصور سران رژیم، کارگران و مردم معترض نه تنها مرعوب سرکوبگری‌های رژیم نشده‌اند، بلکه در جریان مقابله و رودررویی جمعیت نیروهای دشمن شهامت و روحیه تازه‌ای پیدا کرده‌اند. شعار "نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم" بیانگر ارتقاء روحیه مبارزه جویی مردم است.

با این وصف به رغم سرکوبگری‌های رژیم و خیز برداشتن سپاه پاسداران برای مدیریت بحران‌هایی که نظام سرمایه داری اسلامی با آنها دست‌بگریبان است، اعتراضات کارگری و توده‌ای بطور اجتناب‌ناپذیری گسترش پیدا خواهند کرد، چون رژیم هیچ برنامه‌ای برای بهبود زندگی و معیشت مردم در دستور کار ندارد. لایحه بودجه سال ۹۷ چنانکه تصویب و اجرا گردد سپاه پاسداران، نیروهای نظامی و امنیتی و نهادهای مختلف وابسته به دستگاه روحانیت را فربه‌تر و فربه‌تر می‌کند و شکاف فقر و ثروت را عمیق‌تر و فضای جامعه را قطبی‌تر و انفجاری‌تر خواهد کرد. در این شرایط آنچه فعالین کارگری و فعالین جنبش‌های اعتراضی لازم است در پرداختن به آن تعجیل کنند امر سازمانیابی و تلاش برای هماهنگ کردن و سراسری کردن اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۷ دی ۱۳۹۶

۲۸ دسامبر ۲۰۱۷



صبح روز پنجشنبه هفتم دی ماه هزاران نفر از مردم شهرهای مشهد، نیشابور، کاشمر و بیرجند در استان خراسان به خیابان‌ها آمدند و در اعتراض به فقر و گرانی، بیکاری گسترده و اختلاس و دزدی‌های کلان مقامات حکومتی دست به راهپیمایی زدند و شعار سر دادند. مردم به جان آمده و معترض شهر مشهد در جریان این تظاهرات شعارهای "اسلام رو پله کردین، ملت رو ذله کردین"، "مرگ بروحانی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "پلیس برو دزد رو بگیر"، "ملت ما بیدار است، از دزدی بیزار است"، "دزد غارت می‌کند دولت حمایت می‌کند" سر دادند. بنا به گزارش‌ها، نیروهای انتظامی و یگانهای ضد شورش رژیم اسلامی برای ممانعت از گسترش اعتراضات مردم با ماشین‌های آب پاش و پرتاب گاز اشک‌آور به صف تظاهر کنندگان یورش بردند و چندین نفر را دستگیر کردند و مردم خشمگین با پرتاب سنگ و سردادن شعار "نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم" به مقابله با نیروهای سرکوبگر پرداختند. در تظاهرات مشهد عواملی با سردادن شعار ارتجاعی "روح شاد رضا شاه"، "ایران که شاه ندارد حساب کتاب ندارد" تلاش کردند که اعتراض مردم را به بیراهه ببرند. این تلاش‌ها بلافاصله تحت الشعاع شعارهایی که خشم و اعتراض مردم علیه گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی را منعکس می‌کرد قرار گرفتند و به حاشیه رانده شدند.

تقریباً همزمان با تظاهرات مردم در شهر مشهد، در شهرهای کاشمر و نیشابور نیز تجمع‌های اعتراضی نسبتاً گسترده‌ای برگزار گردیدند. مردم خشمگین این شهرها با سردادن شعار "دزد غارت می‌کند دولت حمایت می‌کند"، "سوریه رو رها کن، فکری به حال ما کن"، "ای جوان ایرانی بلند شو بلند شو"، علیه دزدی‌های کلان مقامات حکومتی و مداخله‌گری‌های رژیم در کانون‌های بحران منطقه و فقر و فلاکت اقتصادی اعتراض کردند.

تظاهرات مردم شهرهای استان خراسان تحت عنوان "نه به گرانی" در ادامه روند رو به گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگران در کارخانه‌ها و مراکز بزرگ صنعتی انجام گرفته است. این اعتراضات و مضمون شعارهایی که بر سر زبان‌ها افتاده‌اند نشان می‌دهند که ابعاد فقر و فلاکت اقتصادی نه

نماینده‌گی کومه‌له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

آدرس‌های حزب

کمیته ایران و

کومه‌له

K.K. P.O.Box 75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com